

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

بیکار

۲۶۱

دوشنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۸ بهای ۱۵ ریال

بیکار را بخوانید و در تکتیر و پخش آن بکوشید

کتابخانه ملی ایران
Iranische Bibliothek in Hannover

- جنین کاریگری
- حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان
- خلق ها و مسئله ملی
- جنبش دهقانی
- حمله به مجاهدین خلق محکوم است

پس از خروج پاسداران:

تظاهرات ۲۰۰ هزار نفری مردم سنندج!



در سایه همبستگی
خلق کرد مبارز
سنندج
در تحسن خود
به پیروزی
رسیدند

۶ صفحه

کارگران بیکار قزوین: کارگر زندانی، دشمن امپریالیسم سرمایه دار مزدور، نوکر امپریالیسم

۳ صفحه

پروفسورهای "مسلمان"
یا مأمورین سیا!
پروفسور "حامد الگار" دوست
آقای یزدی برای چه به ایران می آید؟

حاکم شرع اصفهان و حکم قرون وسطایی اش!

حاکم شرع اصفهان حکم جدایی یک کارگر را (بدون طلاق) بباطور عقاید سیاسی آن کارگر صادر کرد. ۸ صفحه

نگاهی به سرمقاله کار شماره ۴۰:

امروز دفاع شرمگینانه، فردا...؟!!

تشدید گرایش رویزیونیستی در سازمان جریکهای فدایی خلق
وکودتای افغانستان

شدند کراش رویزیونیستی در سازمان جریکهای فدایی خلق، ادا به
متی و سیاستهای غیربرولتری گذشته، این سازمان بوده و امروز تکامل
این کراش انحطاطی نه طرفداری و حمایت آشکار از سوال امپریالیسم
کشیده شده است، زیرا این سازمان به تائید کودتای امپریالیستی ثوروی
در افغانستان پرداخته است. سرمقاله "کار" شماره ۴۰ درباره رویداد
های اخیر افغانستان بیاگر جنبش امری می باشد. ۱۰ صفحه

زنگهای خطر برای چه کسانی بصد ادرمی آید؟

نگاهی به نتایج انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری، با پیروزی بنی صدر در حالیکه پیش از
آ آراء ریخته شده در صندوقها را بخود اختصاص داده است، بی پایان رسید.
نتایج آراء انتخابات شگفتی بسیاری در میان مردم و تمام نیروهای
سیاسی بوجود آورد. این نتایج بطور روشنی واقعبات سیاسی موجود در
ایران را از بیسیه ها و جارو جنگلهای تبلیغاتی دستجات حاکم، در جلوی
دیدگان مردم آشکار کرد و آنها را نسبت به آنچه که در جامعه جریان دارد،
تا حدودی واقف ساخت. ۲ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نظرات خدا نقلایی و اشاعه لیبرالیسم بورژوازی خودبیردازد.

بازی، گفتیم که روحانیت در صحنه مبارزه انتخابی ریاست جمهوری، شکست بزرگی را متحمل شد که انعکاس افول سیاسی این بخش از هیئت حاکمه در طول زمانداری رژیم جدید و جدائی تدریجی مردم از آن بود. در شماره پیشین پیکار، واقعیت ایسین شکست را در طول انتخابات نشان دادیم. اکنون انعکاس آن را در نتایج آراء بدست آمده مورد نظر قرار می دهیم.

گاندید "مدرسین حوزه علمیه قم" تنها ۴/۵ درصد!

اصلی ترین پایه های قدرت روحانیت، که در مرکز آن "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" قرار دارد، از "حسن حبیبی" حمایت کردند و بدین ترتیب او را که بطور مستقل در انتخابات شرکت کرده بود در

کاهن داند است که بخوبی می تواند سیر رویدادها را به آگاهی توده ها و سرعت فروریختن توهم توده ها را به نمایش بگذارد. ۸۰ درصدی بگماه! این مقدار به خصوص از این نظر مهم است که توجه کنیم که در فرایند قانون اساسی، غالب نیروهای بورژوازی لیبرال و جریانهای ارتجاعی بورژوازی از یک موضع ارتجاعی با قانون اساسی به مخالفت برخاستند و در فرایند شرکت نکردند. لیکن در انتخابات ریاست جمهوری این نیروها، وسعاً و با تمام نیرو شرکت کردند و به خصوص در بحث برتیمارمندی موضع گرفتند.

بسیار معلوم میشود که تحریم کنندگان، از میان رحمتگان و قشرهای آگاه ما معدومند و با این حساب نسبت کمائی که از میان اینان در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکرده اند با لاترا ۸٪ است. یعنی رحمتگان ما در همین مدت زمان کوتاه نیز با دگرگشت اندک کمتر به رژیم پور رئیس جمهوری دل خوش کنند!

● مطابق آمار دولتی، در فرایند دوم جمهوری اسلامی ۹۸ درصد در فرایند دوم قانون اساسی ۲۳ درصد و در انتخابات ریاست جمهوری ۶۵ درصد مردم شرکت کردند که بخوبی می تواند مسیر رشد یابنده آگاهی توده ها را به نمایش گذارد.

● انتخابات، صحنه شکست روحانیت بطور کلی و حزب جمهوری اسلامی بطور خاص بود و این شکست نه تنها در طول انتخابات بلکه پس از اعلام نتایج آن نیز به روشنی نمایان گشت. علیرغم پشتیبانی "جامعه مدرسین قم" و حزب جمهوری اسلامی و آیت اله صدوقی (نماینده امام در یزد) از حبیبی، باز هم حبیبی در قم پلپ و در یزد پلپ یعنی صدر رأی آورد.

شماره مزدهای "بی بضاعت" قلمداد میشود، به میدان اصلی رقابت انتخاباتی پرتاب نموده. با کنار گذاشته شدن مسعود رجوی، میدان رقابت بطور عمده در اختیار بنی صدر، حبیبی و مدنی قرار گرفت. با توجه به پشتیبانی روحانیت از "حبیبی" بنظر میرسد که رقابت اصلی میان بنی صدر و حبیبی باشد و حتی انتخابات در دور اول بشمار رسیده و به دور دوم کشانده شود. لیکن با اعلام نتایج انتخابات، در میان شکفتی همه، نه تنها رقابت فشرده ای میان بنی صدر و حبیبی بوجود نیامده، بلکه "حبیبی" حتی نتوانست از نظر میزان آراء، مقام دوم را احراز نماید و تیمسار مدنی جایگاه دوم را اشغال نمود.

تعداد آراء ریخته شده در صندوق بنفع "حبیبی" مطابق آمار رژیم، ۶۷۶ هزار (حدود ۴/۵ درصد کل آراء) است و این در حالیست که رئیس جمهور منتخب - بنی صدر - حدود ۱۶ برابر (۱۰/۷۵۰ میلیون رأی) و مدنی، یعنی نفر دوم، حدود ۳/۵ برابر (۲/۲۶۱ میلیون رأی) را بخود اختصاص داده اند!

استدلال وابستگان روحانیت در این باره این است که شکست حبیبی در انتخابات، آنهم با چنین آراء ناچیزی، ناشی از این بوده است که فاصله زمانی حمایت روحانیت، از حبیبی تا روز انتخابات بسیار محدود بوده است و این امر باعث شده که "حبیبی" نتواند آنطور که باید و شاید در ذهن مردم جای گیرد و به تبلیغات وسیعی دست یزد. در حالی که بنی صدر

وجهی این نکته ضروری است که موضع و حال آیت الله خمینی در برتیماری و پیام او به مردم از بیماران - ستان مبنی بر شرکت فعال در انتخابات، و سپس تبلیغات وسیع و سایل ارتباط جمعی پیرامون این قصه، نقش مهمی در کنار گذاشته شدن، به پای صدوق - های رأی ایفا نمود، توده های کدبیت و سوسله اجاسات مذهبی و عاطفی شان به بازی گرفته شده و علیرغم ناراضی از هیئت حاکمه، تحت تاثیر همین اجاسات بیای صدوق های رأی کشانده میشوند.

۲ - انتخابات، صحنه شکست روحانیت بطور کلی و حزب جمهوری اسلامی بطور خاص بود و این شکست نه تنها در طول انتخابات، بلکه پس از اعلام نتایج آن نیز به روشنی نمایان گشت. هر چند در دور نهاد روحانیت نمایان همگون و جریان واحد کدبیت است و وجود ندارد. لیکن عملکرد هر ان صاحب نفوذ و نفوذمند در حاشیای در طی این مدت، سوبزه آنها شیکه در بر جرت روحانیت، منافع بورژوازی و قشر خرده - بورژوازی مرفه سنتی را نمایان میگردند، باعث شده که توده های مردم کل روحانیت را زیر سؤال ببرند. بورژوازی لیبرال نیز در طی این مدت کوشد تا با بر حمت کردن خصوصیات عقب گرایانه و انحمار طلبانه کل روحانیت، سوبزه جناح خیر شده - بورژوازی آن، از آب گل آلود ما میگیرد. بورژوازی لیبرال میکوشد بر تمام بیانات متفاوت طبقاتی درون روحانیت برده اندازد و بدین ترتیب با نوا استفاده اریسزاری و نفرت مردم از این خصوصیات، به رواج

نقدار متحد ۱
رکبای خطر ...

حاجت می محنت حاکم، که هر یک کاندیدائی را به صحنه مبارزه انتخاباتی فرستاده بودند. اکنون می گویید که نظام الحبل، از جناح انتخابات سود خود سیرد کسرتدویا به صحنه موضع خود در این صحنه مبارزه و کسرتدویا به صحنه موضع خود در این صحنه مبارزه برده است. اما نام لایق انسان، نمی توانست و انست آگاهی را که جناح انتخابات با روشنی تمام نمایان ساخت است، سوسده بگذارد.

نتایج انتخابات را مختصراً مورد بررسی قرار دهیم

۱ - مطابق آمار خود رژیم، در فرایند دوم قانون اساسی، حدود ۱۶ میلیون نفر، یعنی حدود ۲۳٪ از جازس برابط، شرکت ورزیدند. که این تعداد خود سیرد فرایند دوم بنی، کاهن کلا محسوسی را نشان میدهد. تحریم بنی و فرایند دوم از سوی غالب نیروهای انقلابی و کمونسیت، نقش مهمی در آسین کاهن دریند انرا در شرکت کنندگان گذاشت.

در انتخابات ریاست جمهوری، برخلاف فرایند دوم قانون اساسی، غالب نیروهای انقلابی و کمونسیت، با درستی اعلام شرکت نموده و وارد صحنه مبارزه انتخاباتی شدند. شرکت این نیروها، سودی خود می توانست بحسب غالب توده های را که به لحاظ ذهنی رسیده و ایگان تحریم بنی انتخابات را داشتند، به شرکت در آن بگماهند. و بدین ترتیب بطور محسوسی بر تعداد افراد شرکت کننده در انتخابات ریاست جمهوری، سیرد فرایند دوم بنی، نمایانند. لیکن مدور فرمان "تخصه" بنظر خارج کسرتدن کاندیدائی مورد حمایت و سسسانی نیروهای دمو - کرات و برنی و برخی نیروهای کمونسیت - مسعود رجوی - این نیروها را سوا کز برار شرکت در انتخابات بحرور ما حد، حسن حرکتی از سوی هیئت حاکمه، این نیروها و لاجرم توده عظیم بحسب تعداد آنها را سمت سکت تحریم جاری سون داد. اگر حد این نیروها در این حرم موضع غیر فعال وسی تحرکی را اتحاد کردند و کوشیدند اتحاد خود را در شرکت در انتخابات را که برعکس آنها اتحاد زمسه بنا رکب خیل و تشکیل یک جبهه کسرتده ا نیروهای انقلابی و عدیا سربا لست بود، در صحنه اصلی مبارزه و حول سکت محور واقعی انقلابی، سخن بچینند.

با این حال این وضعیت سوده وسیعی را از شرکت در انتخابات منصرف نمود. در صد آراء ریخته شده در صندوق ها خودی خود می توانست، حجم عظیم این توده تحریم کننده را نمایان بگذارد. در واقع از میان حدود ۲۲ میلیون حاضرین برابط شرکت (مطابق آمار خود رژیم) حدود ۱۲/۱۵ میلیون نفر یعنی فقط حدود ۵۶٪ آنها در انتخابات شرکت کردند. که این رقم کمترین تعداد افراد شرکت کننده در طی یکساله حاکمیت رژیم را تشکیل میدهد. اگر حتی مطابق آمار خود رژیم هم مقنا و بنما شیم، در فرایند دوم جمهوری اسلامی، در فرایند دوم قانون اساسی ۲۳٪ و در انتخابات ریاست جمهوری ۶۵٪ مردم شرکت کردند. در واقع این میزان در عرض ده ماه، ۳۳٪ و در عرض یکماه ۸۰٪

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بقیه در صفحه ۱۳

اخبار کوتاه کارگری

کارگران بیکار قزوین:

کارگر زندانی، دشمن امیربالیسم
سرمایه دار مزدور نوکر امیربالیسم

کارگران بیکار قزوین بعد از ماهها مبارزه و بعد از اینکه دو نفر از نمایندگان نشان توسط رژیم حامی "مستضعفان" به زندان افکنده شدند، روز سه شنبه ۹ بهمن در خانه کارگران اجتماع کرده و خواهان آزادی نمایندگان خود شدند. ولی از آنجا که مسئولان امور هیچ توجیهی به خواست آنها نداشتند، کارگران تصمیم گرفتند که دست به یک راهپیمایی در سطح شهر بزنند. این راهپیمایی که حدود ۱۵۰۰ نفر در آن شرکت داشتند، با حمایت مردم روبرو شد.

راهپیمایان فریاد می‌زدند "کارگر زندانی آزاد باید گردد، کار برای بیکار را ایجاد باید کرد" و "کارگر زندانی، دشمن امیربالیسم، سرمایه دار مزدور، نوکر امیربالیسم".

این راهپیمایی پس از صدور یک قطعنامه میان یافت.

کارگران کوره پزی توکمل

اصفهان بیمارزه خود ادا مه میدهند

کارگران، بعد از چند بار اعتصاب برای تامین حق بیمه، حق مرخصی، تعطیلی و اضافه دستمزد و کسری حداقل حقوق، از اول اسفند مراجعات زیادی به اداره کار و استاننداری و... کرده‌اند و بعد از اینکه صاحب کوره پزی ادعا کرده که بیول ندارد، کارگران خود تصمیم به تاسیس آجر کسریه، با وجود اینکه مقامات مربوطه از سرمایه داران دفاع می‌کردند، کارگران خود نظارت بر تولید را عهده دار شدند و سرمایه دار گفتند "گرونی در می‌کنی بگذار ما هم ضرر کنیم، سوپریس رندکی را داری و جعبه‌های آجر کسریه در دست ما می‌خواهند ولی ما بچه‌ها بیچاره کوچکی کاری - کسریه و صاحب کوره پزی که استوار دیده‌اند دست به تاسیس ردو کارخانه را تعطیل کردند و کارگران تصمیم دارند که کارخانه را معا دره کرده خود آنها را بماند.

"حزب توده" حزب ضد توده!

روبرسه ۵۸/۱۰/۲۹ سازمان آسورس و پرورس و مدارس میا با دو حومه‌ای طرح سفر خواهد داشت. های سفی خود در سالن فرمانداری دست به تاسیس زدند. اخبار رسیده از میا با دتا روز ۵۸/۱۱/۸ حقا با از داد آمد. محس اس رحمتگان دارند. این محسین با سینه‌ای کسریه و میا با دتا میا با دتا سینه روز و پرورس در سالی حال خواهد از آن حزب توده کسریه؛ گانون مسلمین را ز سر خود خود ادا رند. سروی می خاشا دتا این حزب را به حقوق کارگری و معاش بر علیه رحمتگان منحصر در فرمانداری سر میس بقه در صفحه ۲



جنبش کارگری

مبارزه کارگران علیه اخراج و بیکاری ادامه دارد

دسته‌های جلوبی کارخانه ایرانی رفته و بستنی‌سازی خود را از کارگران اخراجی اعلام کنند. حدود ۸۰ نفر از کارگران بیکار رجبی کارخانه ایرانی رفته و منتظر خروج کارگران از کارخانه شدند.

یکی از کارگران بیکار ریس از اعلام پشتیبانی دسیسه‌های کارفرما را افشا کرده و گفت اگر امروز این ۸ نفر را اخراج کنند فردا تویست شماست. اگر جلوبی اخراج کارگران را تکبیرید، فردا از لنگر کارگران بیکار با مزد ۳۰ تومان استفاده خواهند کرد. کارگران بیکار رو شافل باید بر علیه اخراج و بیکاری متحد شوند. با وجود کوشش فراوان رئیس مزدور کمیته برای تفرد افکنی بین کارگران بیکار رو شافل، کارگران ایرانی با طرف کارگران بیکار آمد و با هم ابراز همبستگی کردند. پس از آن کارگران به تجمیع خود پایان دادند.

حرکت انقلابی کارگران بیکار رگرج قدم کوچکی در راه اتحاد بین کارگران بیکار رو شافل است. کارگران بیکار رو شافل باید با یوحده آوردن سدیکا - های واقعی جلوبی اخراج کارگران را بگیرند. کارگران را بر ضد توطئه‌های سرمایه داران متشکل سازند. کارگران شافل باید با یوحده بیکاری در نظام سرمایه داری شتری است که در خانه هر کسی می‌خواهد به همین جهت مبارزات انقلابی کارگران شافل و بیکار را زهم جدا کنند.

(تلخیص از اعلامیه ۵۸/۱۱/۱۰ حوره گرج)

در تاریخ ۴ بهمن ماه شورای ضد کارگری کارخانه ایرانی ۸ نفر از کارگران مبارز کارخانه را اخراج کردند. علت اخراج این کارگران مبارزه - ای بوده که آنها برای گرفتن حقوق اولیه کارگران کرده بودند و در نیشا پیش کارگران خواهان گرفتن حقوق صنفی خود شده بودند. آنها در مبارزات کارگران برای گرفتن سود ویژه منحل کردن شورای قلابی و سایر حقوق کارگران فعالان شرکت داشتند و کارگران را به مبارزه متحدانه بر علیه سرمایه داران تشویق می‌کردند. شورای کارخانه که بنا بر یکی بعد از منحل شدن شورای قدیمی تشکیل شده است عمدتاً از افراد صدمه‌گرا تشکیل شده است و کارگران مبارزی که در شورا هستند به دلیل وجود عناصر ضد کارگر نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. اخراج کارگران مبارز به تحریک کارمندان و عضو شورا که سابقه ضد کارگری اوروشن است، صورت گرفته است.

کارگران اخراجی از آنجا که می‌دانستند وزارت کار حامی سرمایه داران است و مطابق ماده ۳۳ قانون ضد کارگری خود اخراج آنها را تائید خواهد کرد به سدیکای کارگران بیکار ربروژه‌ای گرج و حومه شکایت کردند.

روزشنبه ۶ بهمن کارگران اخراجی ایرانی به اداره کار برای کسریه محل سدیکای کارگران بیکار مراجعه کرده و در حضور کارگران جریان اخراج خود را شرح دادند. کارگران بیکار تصمیم گرفتند که

کارگر می‌رزد، سرمایه دار می‌لرزد

روز یکشنبه ۵۸/۱۰/۲ کارفرما و سرحداتار بند محل کارگاه می‌آیند. نمایندگان کارگران برای گفتگو در اتاق کارفرما حاضر می‌شوند و بیکار کارگران دست از کار می‌کنند و مطالب اساسی به روی زمین می‌نهند. سرحداتار می گوید شرکت بخاطر منحل زدن و کمیو بودجه‌ها کسریه تعطیل کارگاه است. نماینده کارگران در جواب میگوید: کارگاه به هیچ عنوان نباید تعطیل شود. ما مدت هفت ماهه در این کارگاه کار کرده ایم. اگر کارگاه تعطیل شود، ما بیکار می‌شویم که هیچ، علاوه بر آن چون کارما کمسرا یکسال محسوب می‌گردد از حق اولاد، حق مسکن و حق بیمه منبر محروم خواهیم شد و ما هرگز اجازه نخواهیم داد که

بند در صفحه ۴

شرکت آکروپیل که کارهای ساختمانی مرکز تجزیه پستی را در دست دارد، چندین بیکار کارگران و کارمندان کارگاه اعلام میکنند که شرکت قصد تعطیل کارگاه را دارد. اعتراضات کارگران و کارکنان در عرض دوروز شدت بالایی گرفت. کارگران تصمیم می‌گیرند، به صورت که شده از تعطیل کارگاه جلوگیری کنند. زیرا که تعطیل کارگاه، کارگران و کارمندان کارگاه را به بیکاری می‌کشد و چون بیشتر آنها کمتر از یکسال سابقه کار دارند، نمی‌توانند حق مسکن، حق اولاد و حق بیمه مطالبه کنند. کارگران گروه جمع میشوند و برای خود چند نفر نماینده انتخاب میکنند که این نمایندگان با مسئولین کارگاه در این باره گفتگو کنند.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳ حزب توده ...

نکرده اند. به همین دلیل وقتی که نماینده ایسین کانون قلابی قصد داشت برای متخصصین سخنرانی کند فدا فریاد اعتراض آنها را روپوشد. آنها با شعار مرک بر حزب توده جواب دندان شکنی به آقای نماینده دادند.

اعتصاب کارگران کارخانه قرقره زیبا

روز چهارشنبه ۲۵ دیماه کارگران کارخانه قرقره زیبا واقع در جاده کرخ بمنظور رسیدن بسه خواستهای صنفی خود دست از کار کشیدند. ایسین اعتصاب بعد از دخالت کمیته و سرپرستها و مدیر کارخانه به درگیری انجامید. طبق اخبار اولیه در درگیری روز سه شنبه ۲۷ دیماه دو نفر از نمایندگان زن و دو نفر از نمایندگان مرد، دستگیر میشوند که از سرنوشته آنها اطلاعی در دست نیست. شورای کارخانه که به هیچ وجه یک شورای کارگری نیست همواره بر علیه کارگران توطئه جیده و معترضین را اخراج و بسا تهدیدها اخراج میکند.

کارگران کارخانه ضمن اظهار نفرت از شورای قلابی خود از آزادی نمایندگان خود شده اند.

همبستگی و اتحاد کارگران ضامن پیروزی است

روز ۲۷/۱۰/۵۸ بدنبال اخراج ۵ نفر از کارگران کارخانه نبارش اصفهان به بهانه چند دقیقه دیر آمدن، کلیه کارگران کارخانه در اعتراض به این اقدام ضد کارگری مدیر کارخانه، دست از کار کشیدند. سیدهای عوام کارفرما و توطئه های تفرقه افکنانه اش نتوانست در اتحاد و یکپارچگی کارگران خللی ایجاد کند. کارگران یکمدا خواهان بازگشت به کار همکاران خود شدند.

سرانجام کارفرما نتوانست در مقابل فشار کارگران مقاومت نماید و ناچار شد که کارگران اخراجی را مجدداً بر سر کار بگذارد.

بقیه از صفحه ۳ کارگرمی رزم ...

دیناری از حق ما کسر شود. سرحدات را رعایت نمی شود و بلند شده به همراه ما برین از اتاق بیرون می آید و در حالیکه بطرف اتومبیلش می رود میگوید: همین است که گفتم. سپس سوار ماشین میشود و بطرف خروجی خروجی حرکت میکنند. چند نفر از کارگران فوراً در خروجی را با تیر آهن و تخته می بندند. نمایندگان و سایر کارگران بطرف اتومبیل حامل سرحدات هجوم میبرند و بزرگت قسمت عقب جیب را می کنند و سرحدات را از توی اتومبیل بیرون میکشند و در حالی که بیشتر کارگران خمکین و سیله آهنی در دست راه خروجی را سد می کنند. دیگر کارگران با سیله آهنی و چوب بسوی سرحدات و کارفرما حمله می برند که نمایندگان کارگران مانع از درگیری میشوند و آنها را ساکت می کنند. یکی از نمایندگان رویه سرحدات را میگوید: من به نماینده گئی کلیه کارگران این کارگاه در حضور همه اعلام میکنم که کارگاه به هیچ عنوان حق تعطیل کردن را ندارد. اگر کارگاه تعطیل شود تمام ماشین آلات کارگاه و مصالح ساختمانی موجود به نفع کارگران مبادره و فروخته خواهد شد. اگر مسئولین کارگاه این امر را جادی تلقی نکنند، می توانند عکس العمل را آزمایش کنند. کارگران با مشت های گره کرده و با گفتن صحیح است، سخنان نماینده خود را تصدیق میکنند. کارفرما و سرحدات را که وحشت سراپا ایشان را گرفته بود میگویند: فعلاً بر سر کار خود بر گردید و آزمایش خود را حفظ کنید، ما فردا برای مذاکره به اینجا خواهیم آمد. روز دوشنبه ۲۸/۱۰/۵۸ مسئولین کارگاه قبول میکنند که کارگاه تعطیل نشود و کلیه حقوق کارگران و کارمندان و باغچه حقوق عقب افتاده و مقداری از فوق العاده شغل آنها پرداخت میشود و توافق میشود که نصف روز کار کنند و نصف حقوق دریافت دارند. کارگران فعلاً مشغول تشکیل شورا هستند تا اداره کارگاه را به عهده گیرند.

بقیه از صفحه ۷ اتحادیه دهقانی ...

مخالفت میکردند و می گفتند کارگزاران جوشی و "جبهه گیری مستقیم در مقابل دولت" است. که ممکن است این جنبش نوپا را بکلی متلاشی کند. جلسه ای با شرکت نمایندگان ۶۲ ده تشکیل میشود. جلسه تصمیم به تقویت پیشمرگه ها میگیرد.

رفیق در مورد مخالفت اقلیتی از روشنفکران میگوید: "البته از روز اول که این مخالفتها شروع شد ما این دو نظریه را بین مردم مطرح کردیم. نظریه ما وقتی بصورت عمل و اجرا درآمد، روز بروز طرفدارانهای بیشتری پیدا می کردیم و مردم هم که این نظریه ها پیش از مطرح شده بود پس از مشورت های زیادی بین روشنفکران اختلاف عقیده وجود دارد و اونام یکبار چپ نیستند و با این نظرات مختلف و توطئه و در نهایت هم این رای مردم نبود که مسئله حل کرد. چون ما در جناح روشنفکری قادر به حل مسئله نبودیم. پس از مدتی جناح مخالف به اشتباه خود ادعا می کنند ولی رفقا از اشتباهات نیز بیسرای پرورش شده ها استفاده میکنند. اینک اختلافات را ما استمالی کنند. آنها ملزم میشوند همراهِ دیگر رفقا به روستا رفته و در حضور توده ها به اشتباه خود اعتراف کنند. بدو علت: "یکی اینکه این روش بیشتر پیشرفت حتی ذهنی هم داشته باشد و همینکه دهقانیها که از این دوستگی خیلی ناراحت بودن و مرتب هم ما رو قسم میدادند که بخاطر خدا و پیغمبر به هم بیایند و این شکاف را رو زمین ببرید" در ضمن این جریان گفتگوهای جالبی پیش می آید:

... چند نفر دهقان خطا به روشنفکرها مطرح کردن که به ما خیانت نکنید. یکی از دهقانان بسه رفیق فواد میگوید: "اگر رفقا دولت مستقر شود شغل شون و آبادی رو خوبی بدو داد... ما رو به امون خدا ول نکنی". ویکی از روشنفکران جواب میدهد: "اگر رفقا دولت "جاش" استخدام کرد، تو هم با ما می دوسه هزار تومان دنبال سرما نگر دی" و "قرار بر این شد که هر طرف خطا کرد مجازاتش مرگ باشد". رفیق فواد مطرح میکنند که "این خیلی مهمه که در این سده عده ای به جریانی خیانت نکنن ولی ما باید جریانی رو طوری پیش ببریم که خیانت یک یا چند نفر نتونه اون را درهم بشکنه... باید شورسای روسالو برده ..."

در میزبان درسا به مبارزه و مقاومت کم کم "اتحادیه دهقانی" قدرت و استحکام می یابد و ستاد آن بصورت یک کارگزاران "اجرائی" توده ای در می آید. ولی مالکان از توطئه دست نمی کشند و دولت نیز به آنها یاری میرساند. البته... مالکان تمام ایسین آشوبها رو بخاطر این بوجود میارند که روابط ظالمانه - شون حفظ بشه تا بهترین زندگی بکنن "در آخر رفیق فواد می گوید:

" دولت هر روز در گوشه ای از کردستان ایسین برنا مدهای توطئه شو پیاده میکنند ولی تکرار این توطئه ها با لایحه بجائی منجر میشه. همینطور کسی نمیتونه".

و دیدیم که به جنبش توفنده، برشکوه و پیروز منند خلق کرد انجام مید.

بقیه از صفحه ۱۱ امروز دفاع ...

ما زمان شما تا باید نجا رسیده که کودتای امیرالیستی را حمایت می نامیده، مزدوران رو بیژنیست را ترفنی خواه و چپ قلمداد می کنید و جبهه انقلاب و خلق، افغان را بدست فراموشی می سپارید و در پیسی آید تا در مسازره علیه امیرالیسم آمریکا بر سوسال امیرالیسم شوروی تکیه کنید. روشن است که این ارزیابی ها جدا از دیدگاه شما نسبت به مسائل انقلاب و ضد انقلاب در ایران نمی باشد. رفقا! چگونه میشود که بین ارزیابی شما از واقع افغانستان و ارزیابی حزب توده مزدور و خیانتکار و شوروی تجاویز کار بیژنیستی و تفاهتی وجود ندارد؟ اگر شما خود را مارکسیست - لنینیست می دانید چگونه تحلیل ما را - کمیستی شما تا تحلیل رو بیژنیستی در انطباق قرار می گیرد؟ از دو حال خارج نیست یا تحلیل رو بیژنیستی ما را کمیستی می باشد و اینا برای این آمان به نقطه نظر شما رسیده اند و با تحلیل شما رو بیژنیستی می باشد و با تحلیل آنان منطبق گردیده است. بنظر ما رو بیژنیستها ما هیت عوض نکرده اند و آنچه و قیمت در حالت دوم می باشد.



حق "بیمه یکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

حرفهای زحمتگان از نثريات زحمتگان



وزارت کار و شورای جنرال موتورز ابزار سرکوب سرمایه داران

موضع کارگران در برابر انتخابات ریاست جمهوری

در شرایطی که در نیمه اول پیک کارگران بیکارکرج و حومه کهدر نیمه اول دیماه منتشر شده است ، مطالب زیر - بچشم می بخورد: ۱- از مبارزات کارگران بیکار چیده می آموزیم ؟ ۲- چرا کارگران را بیمه درمانی نمی کنند؟ ۳- گزارشی از تحصن کارگران بیکار ریزوین ۴- گزارشی از تحصن کارگران کارخانه ن شپردر فرمانداری کرج ... موضع کارگران در برابر انتخابات ریاست جمهوری که ما از این مطلب آخری قسمتهائی را در زیر می آوریم .

" با ردیگری و وکرنای رژیم با مصلح طرفدار زحمتگان بعد از آمده تا انتخابات ریاست جمهوری را برپا کند ، این انتخابات هم مثل رفتارند جمهوری اسلامی - رفتارند مجلس خفتگان - رفتارند قانون اساسی برگزارخواهد شدی آنکه دردی از میلیونها درد طبقه کارگر علاج شود .

راستی چرا ؟ برای روشن شدن موضوع یک مثال میزنیم . فرض کنیم ما یک خانه کلنگی داریم و میخواهیم در آن زندگی کنیم . ما دو کارمیتوانیم انجام دهیم ، یا خانه را با لکل خراب کنیم و از نو خانه محکمی بنا کنیم و یا همان خانه کهنه را وصله وپینه کنیم . این مثال در مورد جامعه ما هم درست است . بعد از قیام بهمن ما دو کارمیتوانستیم انجام دهیم ، یکی همین کاریست که شورای فعلی انقلاب انجام داد یعنی نظام سرمایه داری وابسته را با سازی نمود . ارتش ضد خلقی شاه را که از هم پاشیده بود ، دومرتبه آنرا با سازی کرد و نام آنرا از شاهنشاهی به اسلامی تبدیل کرد . ادارات و موسسات دولتی با همان روسای قبلی را برپا انداخت ، از سرمایه داران فراری امثال خیامی ها ، ستارورفاشیا و ... دعوت میکرد که به ایران

بیا بیا بنویس زهم مثل گذشته کارگران و زحمتکشان را غارت کنند ، مثل رژیم شاه اعتماد و تحمس کارگران را ممنوع کرده و بجای پاسخ به کارگران بیکار رگلوله تحویل آنها داد .

دوستان کارگر ، کارشورای ... غیر منتظره نیست و نبوده است برای اینکه کسانی ما شنیدند فتنه سی ، بهشتی ، بازرگان و ... در شورای انقلاب بوده و هستند که خودشان سرمایه دار هستند ، یعنی به نفع آقای بازرگان نیست که با سرمایه داران مبارزه کند ... و اما کار دوم ...

ارتش ضد خلقی شاه را که ملا نابود میکردیم و ارتش خلقی از نیروهای انقلابی و خلقی تشکیل میدادیم ، سرمایه داری بزرگ را از بین میبردیم و مقدمه جامعه بی طبقه را فراهم میساختیم ، قدرت را از طریق شورا های کارگری دهقانی بدست می گرفتیم . اما چه کسی میتواند این کارها را انجام دهد ؟ طبقه کارگر با تشکیلات واقعی خود ؟ یا طبقه سرمایه دار یا دولت سرمایه داری ؟

معلوم است تنها کارگران و زحمتگان میتوانند جامعه بدون ظلم و استثمار را برقرار سازند . خوب ما میبرسیم رفتارند جمهوری اسلامی ، مجلس خیر - کان ، قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری کنونی برای با سازی نظام سرمایه داری صورت میگیرد و برای نابودی نظام سرمایه داری کسه دشمن ما زحمتکشان است ؟ از آنجا که انتخابات ریاست جمهوری کنونی (با کاندیداهائی امثال مدنی و ...) توسط هیئت حاکمه ضد خلقی برای با سازی سرمایه داری وابسته صورت میگیرد . ما انتخابات ریاست جمهوری را تحریم میکنیم یعنی در آن شرکت نمی کنیم .

" اتومبیل ساز " نشریه عده ای از کارگران جنرال موتورز در تاریخ سی دیماه منتشر شده است که در آن مطالبی درباره ضرورت اشتراک و نشریه ، جنبش خلق کرد ، نمونه هائی از اعمال ضد کارگری کارگران و "شورای کارخانه و ... درج شده است . در زیر مطلبی را از این نشریه می آوریم :

یکی از دوستان کارگران بنام سید تقی حسینی که چند ماه پیش با شغل آهنگر درجه یک استخدام شده اخیراً معاون رئیس تعمیرگاه (بزدا نی ضد کارگر) بزروربا هیچگونه دلیل قانع کننده ای او را وادار کرده که علاوه بر کار خودش در قسمت تعمیر جلوبندی نیز کار کند اینک دلایل سید تقی بنظر کارگران قسمت ، قانع کننده بود ولی شورای ضد کارگری بدون توجه به دلایل او از زورگویی بزدا نی حمایت میکنند و میگویند - گویدا اگر از دستور سرپرست قسمت ، سربچی کنسی (یعنی حرف زور بدون دلیل را قبول نکنی) بیا بد - اخراج شوی .

دوست کارگر ما بخیا ل اینکه در " جمهوری اسلامی " وزارت کار و رفقا غرضی نیست برای با ابطال شدن حق خود به وزارت کار شکایت می کنند ولی وزارت کار جواب میدهد برو کارگری برای گفتن کوش کن و الا حق دارنده اخراجت کنند ، و شورای کارخانه سیرمانه از سید تقی می خواهد که با ما بیاید تا تعهد دهد . و به سرکار برگردد .

حال دوستان کارگر شما دعا و کنید . شورا و وزارت کار در خدمت کیست ؟ و چگونه در مقابل کار - گری که از حق مسلمش دفاع میکند طرف بزدا نی مسا عوا مل سرمایه داران را می گیرد . آیا با آن حال میشود گفت که شورای ما و وزارت کار طرفدار کارگران است ؟

ملی ایران را که چکیده مبارزات کارگران این شرکت بود از زمان آگاه و مبارز تشقیه کرده و بزوران خود را در آن گنجانده و هم اکنون این " شورای انقلاب اسلامی " (ستراسکی دوتور) ترکیبی است از سرپرست ترین کارکنان شرکت که بعضی از اعضای آن با ۲۲ هزار تومان در ماه حقوق میگیرند . واضح است شخصی با ۲۲ هزار تومان حقوق در ماه نمی تواند درد من و شوی کارگر را لمس بیا حتی درک کند .

شورائی که بشما دست نامه اعطای آن به " شورای انقلاب اسلامی ایران " چندین بار از دکتور جسران ، این حلال قدیمی خلق فلسطین در " تل زعفر " و حلال جدید خلق قهرمان کرد و وزیر دفاع ضد ملی کنونی و نوچه شناخته شده سیریا لیس آمریکا ، در باره امور هواپیمائی ملی ایران نظر خواهی !! کند ، بروشنی معلوم است که به طرفدار حقوق مسلم کارگران بلکه طرفدار سرمایه دارها و منافع دولت آنهاست . این شورا فقط کارش نظارت بر بهره کشی و استثمار هر چه بیشتر ما کارگران است و لا غیر

" هوایپمائی ملی ایران " و " شورای انقلاب اسلامی " آن

نخستین شماره همای مبارز نشریه عده ای از کارگران هواپیمائی ملی ایران ، اخیراً منتشر شده است . در این شماره مطلبی بپیرامون: " هوایپمائی ملی ایران و شورای انقلاب اسلامی آن " ، بخشنامه مدبرعامل جدید در رابطه با " کم کاری و شوراها " ، افتای رویزونیستها و همچنین اخبار کارگری و لیست سیدادی از عناصر وابسته به رژیم سابق که هنوز در هواپیمائی ملی مشغول بکارند ، آمده است . آنچه در زیر ملاحظه می کنید ، قسمت هائی از مقاله ای است تحت عنوان فوق :

سیستم پیچیده اداری و بوروکراتیک هواپیمائی ملی ایران به تدریجی سازمان داده شده است که در

بخشهای مختلف آن بهره هائی گنجانده شده اند که نهادها و حرکات انقلابی را تحت کنترل و نظارت شدید خود درمی آورند . این بهره ها بنوعی خود شکسته بهم پیوسته و پیچیده ای را در درون این شرکت تشکیل می دهند که ما کخهایش را با لا بدیاشین در هر سطحی ریشه دوانیده است .

... اهرمها ی جون " کمیته " مستقر در فرودگاه " و " انجمن اسلامی هوا " و " شورای انقلاب اسلامی هواپیمائی ملی ایران " با سوا استفاده از احساسات مذهبی بعضی از کارگران و کارمندان این شرکت ، سدا هر حرکت انقلابی شده و آنرا پشت سرکوب می کنند . بعنوان مثال شورای انقلابی هواپیمائی

قانون اساسی " خبرگان " زنجیر است به پای زحمتکشان

خلق ها و مسئله ملی



پس از خروج پاسداران :

تظاهرات ۲۰۰ هزار نفری مردم سندهج!

مردم از صبح زود حلقه‌هاستاداری جمع شده بودند تا بیروزی خود را که در سابقه اتحاد و همبستگی و پس از ۲۹ روز تحن بدست آورده بودند طی تظاهرات عظیمی به تمام خلقهای ایران و جهان اعلام دارند.

روحه مردم بسیار خوب بود، آنها در عمل بقدرت همبستگی و یکپارچگی بی برده بودند. آنها فهمیدند که در برابر استبداد محض خلقها هیچ نیروی باارای مقاومت نیست و با ایمان بدان نیروی لایزال آمده بودند تا با دیگر توسط یک راهبماشی نگویم همبستگی را بنمایش بگذارند.

پس از شروع راهبماشی چندین پیام و سرود خوانده شد و ضمن چند سخنرانی کوتاه در اوج به ما هیت رژیم وینتی صدور و وظایف مردم برای حفظ دستاوردهای مبارزه توسعه آن توضیح داده شد.

ساعت ۱۱/۵ با بازگشت شما بنندگان متخصصین که برای اطمینان از خروج پاسداران بمرکز سپاه رفته بودند، شروع راهبماشی از بلندگوی استانباده ری اعلام شد، در بای خلق، مواج و پرخروش، سر بلند و پیرسون با شعارهای انقلابی بر راه افتاد، تظاهرات کنندگان یکبار جه شور و شوق بودند و صفوف آنها با پیوستن مردم هر لحظه فشرده تر میشد.

وقتی جمعیت مقابل مرکز سپاه پاسداران رسید، با صدای رساتر که ناشی از کینه و نفرتشان به افسان چماق سرگوب رژیم بود شعار دادند.

بیش از ۲۵۰ هزار نفر از اهالی سندهج و حومه

در این راهبماشی شرکت کرده بودند. بی شک سندهج تاکنون چنین تظاهرات عظیم و منظمی را بخود ندیده بود.

راهبماشیان پس از گذشتن از چند خیابان بطرف میدان آزادی حرکت کردند. آنها در این مسیر در حالیکه سرودهای رقیب را میخواندند، محکم بر زمین پای می گویندند.

بعضی از شعارهایی که در طول راهبماشی داده میشد عبارتند از :

- ۱ - تحمن توده ها نشان وحدت ما - اخراج پاسداران - ان بیانگر عزم ما .
- ۲ - امپریالیسم آمریکا ، دشمن خلقهای ایران .
- ۳ - حزب شوه فربکارا ! - ای خاشن سازشکار - ننگ به شیرنگ تو .
- ۴ - اتحاد ، مبارزه ، بیروزی .

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر جمعیت بمیدان آزادی رسید و دورتادور میدان و خیابانهای اطراف آن سرا بر کرد. برنا به بیایمی از ما موستا شیخ عزالدین حسینی شروع شد و سپس بیایمی از زمان جریکهای فداشی خلق ، حزب دمکرات کردستان و کومله قراشت شد. آنگاه بعلت نامسا عد بودن هوا بیایمی از زمان پیکار ، تشکیلات زحمتکشان ، شورای دانش آموزان ، ستاد شورای هماغنی ، راهکار گرو... خوانده نشد و جمعیت با شنیدن قطعنامه متخصصین متفرق گردید.

"سپاه زرکاری" ، توسط "کومله" قلع و قمع شد

● دارودسته زرکاری ، عامل امپریالیسم ، سرسپرده رژیم شاه و مزدور بعثی های فاشیست عراق در کردستان هستند .

● حال از رویونیستهای خائن توده و جنگ افروزان حزب جمهوری اسلامی باید پرسید "ضد انقلاب" و عامل امپریالیسم کیست !؟

ما زمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) ضمن انتشار اعلامیه ای بتاريخ ۵۸/۱۱/۹ مزدوران بعث عراق و کماشنگان شاه فراری را که اخیراً تحت عنوان "سپاه زرکاری" (یعنی رستگاری!) در جنبش دادلانه خلق کردا جلال می کنند، افشا نموده است . همانطور که میدانشیم بیشترگان کومله بدون حتی شلیک یک تیر کردا شنگان و رهبران مزدور "سپاه زرکاری" را خلق سلاح و با زداشت کردند. آنگاه سی از

ما هیت و عملکرد این سپاه که توسط رژیم فاشیستی بعث عراق تادندان ملح شده بودند ، بویژه از آنجا اهمیت دارد که چندی است حزب جنگ افروز جمهوری اسلامی و همپالکی اش حزب توده ، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان را زیر حملات تبلیغاتی ناجوانمردانه و عوامفریبانه خود گرفته و سعی در منفرود کردن و سرگوب کومله را دارند و قیاحانه این سازمان انقلابی را به مزدوران بعثی و رژیم

خبر ویژه

عاملان امپریالیسم آمریکا و بعثی های فاشیست عراق در کردستان خلق سلاح و دستگیر شدند

هم میهنان مبارز!

سپاه رستگاری (سپاه زرکاری) از چند ماه قبل در کردستان بوسیله مادح نقشبندی پسر شیخ عثمان نقشبندی که یکی از فعالین سیا و ساواک در منطقه کردستان بود درست شد و بوسیله بعثی ها از نظر تجهیزات نظامی تقویت و مستقیماً از اردشیرزاهدی و یالیزبان و جاسوسان سیا بوسیله عراق بول می گرفتند و این مزدوران برای سرگوب نیروهای - انقلابی و لطمه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد در کردستان درست شده بود ما زمان انقلابی زحمت - کشان کردستان ایران (کومله) بنا به وظیفه - انقلابی خود نتوانستیم در مقابل این جریان ضد خلقی بی تفاوت باشیم ، تصمیم گرفتیم که آنها را خلق سلاح و رهبران آنها را دستگیر نمائیم . در روز ۵۸/۱۱/۹ در مدت ۲۴ ساعت تمام پایگاههایشان را خلق سلاح و تمام رهبران را دستگیر کردیم .

ما معتقدیم که امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلیش با پیدا زایران ریشه کن شوند و برای مبارزه با امپریالیسم با عوامل داخلیش را نابود کرد و بنا به همین اعتقاد با هر حرکت ضد خلقی هر چند ضعیف با تمام نیرو مبارزه خواهیم کرد .

حال از رهبران خائن حزب توده میپرسم عامل امپریالیسم کیست ؟

در این مدت بر خورد حسابگرا نه هیت خاکمه با سپاه رستگاری ، و جنگ تحمیلی که بعد از خلق سلاح این مزدوران امپریالیسم آمریکا ، بوسیله جاشهای مفتی زاده خاشن و سیا به پاسداران تجاوز کرد ، بسر مردم مبارزگان مبارزان وارد شده ، بی مناسبت نیست!

"مرگ برای امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلیش"
"بیروزی دمبارزه ضد امپریالیستی خلقهای سراسران"
"خلق کسرد بیروز است"
"ارتجاع ناسود است"

"ما زمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومله"
۵۸/۱۱/۱۱

فاشیست عراق ارتباط میدهند .

در زیر قسمتی از اعلامیه کومله را میخوانید

دارودسته رهبران سپاه زرکاری عمدتاً از شیخ زادگان مرتجع و جاشهای سابق، فاشودالها ، دزدها و قلدرهای ضد مردم تشکیل شده اند. آنها در دوران پهلوی جزو نژادیکان شاه بودند. شیخ مادح رئیس "سپاه" با خوانده شده و جنتا بیکتا روابط نزدیک داشت بقیه در صفحه ۱۲

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

چشم دهقانی



مبارزات دهقانان منطقه "سلدوز" ارومیه

دهقانان منطقه "سلدوز" ارومیه بر شدت مبارزه خود بر علیه فئودالها افزوده اند، در روستاهای "بارانی" و "یا دگارلو" دهقانان زمینهای فئودالها را مصادره نموده و شخم زده اند، در روستای "بارانی" حدود ۷۰ خانوار از خوش نشینان جمعا ۱۴۰ هکتار از زمینهای متعلق به "محمدباقرخان احمدلو" و "سیدحسین اردهالی" از فئودالهای منطقه را تصرف کرده و دیگر دهقانان نیز با واگذاری تراکتور و سایر وسایل لازم به آنان یاری رسانده اند. در دیگر روستاهای منطقه "سلدوز" دهقانان هر چند بیعلت ریزش برف نشناخته اند در مورد ضبط زمینهای فئودالها اقدام میکنند، ولی سوگند خورده اند که در اولین فرصت آنها را عملی سازند. دهقانان میگویند که اگر کسی بخواد ما را منع مصادره زمین فئودالها کرده، با اسلحه دولت (۱) دست به مقاومت مسلحانه خواهد زد.

(۱) - دولت به منظور "حک باکردها" اسلحه در اختیار دهقانان قرار داده است. اما دهقانان که در یافته اسلحه دشمنان آنها به خلق مبارز کرد، بلکه فئودالها و اربابان آنها میباشند، قصد دارند از این سلاحها علیه فئودالها استفاده کنند که این خود نشان دهنده رشد آگاهی سیاسی دهقانان رزمندگان منطقه است.

رابیشتر می شناسند و کمک هایشان را به آن افزایش می دهند. نفرات مسلح به پیشمرگه میفرستند، پیشمرگه ها مسلحانه یکمک دهقانان که در مقابل تجاوز مالکان ایستادگی میکردند، می شناسند و هر جا که مزدوران مسلح مالکان پیشمرگه ها را بمحاصره در می آورند، دهقانان و مردم شهری از اطراف یکمک آنها می آیند، در مناطقی که کار سیاسی کم شده بود پاره ای از دهقانان محافظه کار میترسیدند و می گفتند "شما منطقه ما را به آتش و آشوب می کشید و ما لک ها از این بسعد ما را راحت نمی گذارند و ما را میکشد ولی اکثریت مخالف نظر آنها بود"، رفقا در تصمیم گیری همیشه با استکار توده ها تکیه می کنند و از بالای سر توده ها عمل نمی کنند، در مورد بحث ها کسی که پس از یکی از سرخورد ها در می گیرد، رفیق می گوید: "اوایل میخواستیم مسئله را خودمان و از طریق نظامی حل بکنیم، ولی بعد از بحث و بررسی تصمیم گرفتیم که مردم منطقه را به داخل ایستادگی بران بکشیم و از آنها کمک بگیریم برای حل مسئله می گفتیم بگذار آنها هم دخالت بکنند، چرا در حاشیه با ایستادگی ما با بکنند" و گفته خود رفیق "این طرز برخورد بین دهقانان تیرزیا دی دانت"، برای ارزیابی موضوع که مردم جنوب را این رویکرد سرخورد می کنند و نیز تعیین تکلیف نظرات پاره ای از روشنفکران که از همان ابتدا با تشکیل پیشمرگه

مسلح بودن، مسلحانه اعمال قدرت میکردن و سعی میکردن اجازه ندهند که دهقانان فعالیت بکنن و تشکلی داشته باشن، برای دفاع از این تشکلی حد اقل، دهقانان میبایست مسلح باشندا بتونن وحدت خود شونو برای رسیدن به هدف حفظ کنند. جدا شدن و بریدن از کار سیاسی در شهر و گشت در روستاها برای فراز از توده ها نبود، عده ای مسلح بیشتناز نبودند، چرک جدا از توده نبودند، خود رفیق بدستی طرح میکنند "خس که نبودیم به کوه بزنیم"، آنها برای شرکت در مبارزه طبعی و واقعی بوده است که بیشتناز میشوند، در شرایطی که توده ها در مقابل فشار اربابان و قیاده موقت و دولت دیگر به ضرورت تجمع سابق به آن شکل هیچ اعتقادی نداشتند.

"در شرایطی که آنها مسلح بودن و مسلحانه اعمال قدرت میکردن و سعی میکردن اجازه ندهند که دهقانان فعالیت بکنن و تشکلی داشته باشن و میبایست دهقانان مسلح باشن و یا "هدف از بین رفتن از شهر عبارت بود از کار سیاسی - تشکلاتی در میان مردم، در اینجا است که اختلاف منی چریکی و مشی توده ای - انقلابی در پراکتیک مبارزات توده ها با شرکت خود توده ها بصورت مشخص تر روشن میشود". گروه پیشمرگه مسلحانه در روستاها گشت زده و به کار سیاسی، بالابردن آگاهی سیاسی دهقانان و متشکل نمودن آنان می پرداختند، بیعت و وضعیت منطقه و جان گرفتن مجدد مالکان، دهقانان "از لچ مالکها تظا هر به هواداری شاه میکردن" رفیق روشنفکر، انه و از بالا به توده ها بر خورد نمی کند... " ما ضرورتا میبایست با آن وضع مبارزه بکنیم و دهقانان را وقتا بکنیم که نا خوب نبود و اگر وضع تازه وضع خوبی نیست دلیل نمیشود که فکر کنیم اون بهتر بود". آنها دستا وردهای انقلاب را (که هر چند ناقص ولی برای گسترش مبارزات سود مند بود) برای مردم بیان میکنند، ضرورت تشکیل شورای انقلابی ده و اتحادیه های دهقانی و نقش سلاح را در عقب نشان دادن دشمن به توده های دهقان توضیح میدهند، در تولید دهقانان شرکت میکنند، به مذهب و رسوم آنان احترام می گذارند و حتی در تجمع ها گاه ملای آبا دی را نیز دعوت میکنند، دهقانان "اتحادیه"

سخنی درباره کتاب :

"اتحادیه دهقانی مریوان و تجربه های آن"

گفتگویی با رفیق شهید فواد مصطفی سلطانی

برداشتها و تجاربی که رفیق در این گفتگوا ارائه می دهد، یک مورد نمونه و ارزشمند را زنگرش توده ای یک انقلابی کمونیست و مبارزان راستین آرمان توده های زحمتکش است، تجاربی که دستاورد شرکت مستقیم در مبارزات طبقاتی و پیوند دادن تئوری انقلابی با مبارزات جاری و روزمره توده ها است. هر چند جزوه مزبور بدلیل شکل ایجادش (که ما حاصل گفتگویی با رفیق است) نمیتواند یک بررسی جامع در زمینه مسائل مورد بحث باشد، ولی طنسرح صادقانه و زنده مسائل مهمی را در ارتباط با کار توده ای رفیق فواد در گفتگویی وی در میان دهقانان مریوان در برده است.

★ ★ ★

مالکان که تا آخرین لحظه های عمر رژیم شاه طرفدار سرسختی بودند وقتی فهمیدند که شاه رفتنی است تغییر جهت دادند و برای تامین منافع طبقاتی خود از خمینی پشتیبانی کردند، آنها شروع به تشکیل و مسلح نمودن خود و هجوم به دهقانان نمودند، در مقابل دهقانان برای دفاع مشترک در برابر ما لکن بکمک روشنفکران انقلابی که از مدتی پیش از خواهشهای دهقانان حمایت و در مبارزه شان شرکت می جستند، اتحادیه دهقانی تشکیل می دهند و مسلح میشوند، مالکان و نیروهای پشتیبان آنان، قیاده موقت و مفتی زاده، شروع به حمله و خلع سلاح دهقانان میکنند، دهقانان که هنوز فاقد تشکلی و آگاهی لازم هستند در مواردی خلع سلاح و مرعوب می گردند، جلسه اتحادیه دهقانان که در برابر هجوم دشمن دچار ضربه شده و تشکلی و روحیه اش آسیب دیده بدون شرکت نمایندگان تمام دهاتی که عضو بودند تشکیل میشود و تصمیم به مقاومت و تشکیل دستجات پیشمرگه می گیرد، اولین گروه پیشمرگه با شرکت رفیق فواد بعد از ۷، ۸ روز راهیما می تصمیم می گیرد که گشت در روستاها را شروع کند.

از نظر رفیق فواد "ادامه کار سیاسی بصورت قبلی و علنی امکان نداشت"، وضع تغییر کرده بود "قیاده موقت و مالکان هجوم آورده بودند و میکوشیدند خفقان قبلی را به مردم تحمیل نمایند، ولی "ما دگی مردم بیشتر شده بود"، "در شرایطی که آنها

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

حاکم شرع اصفهان و حکم قرون وسطایی اش

حاکم شرع اصفهان حکم جدایی همسر
یک کارگرا (بدون طلاق) بخاطر
عقاید سیاسی آن کارگرا صادر کرد!

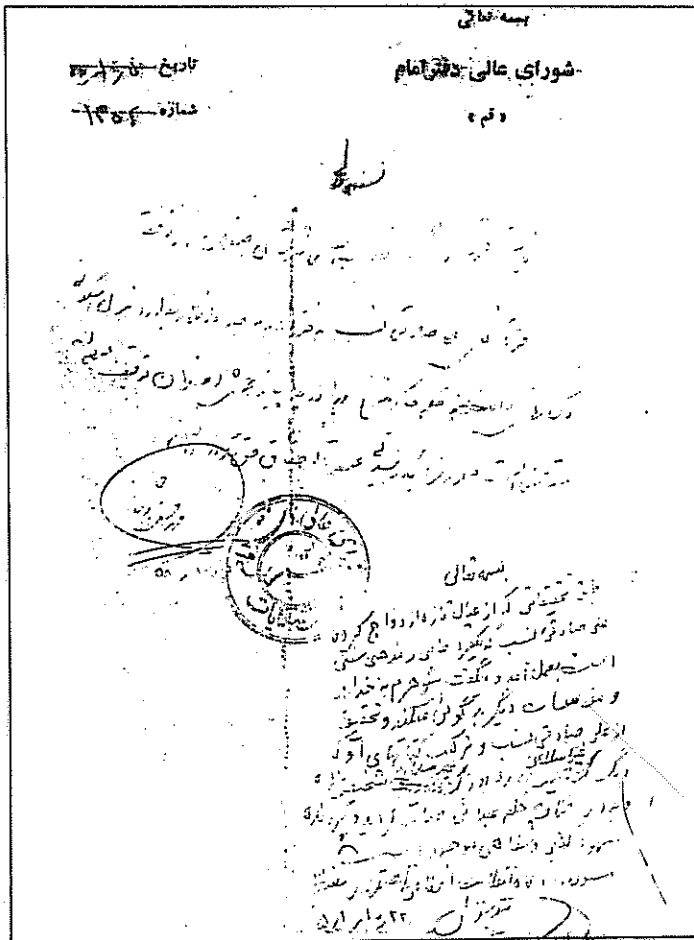
پسنگه توشیبا - سما ورنفتی - بلوبیزرقی ، دودست رخت -
خواب کامل - سرویس بلوخوری و خورش خوری چینی (۴
سری) سرویس چای بخوری چینی (۲ سری) - مبلغ ۴۵۰۰۰ ریال
بول نقد که در گشوی کمبود بود و مقدار زیادی وسایل دیگر که
ذکر آنها وقت شما را میگیرد و حتی لباسها هم را در مقابل
مهریه آن دختر که بدون اجازه من و با حکم حاکم شرع طلاق
داده شده بود گرفتند و عمر همان روز در حدود ۱۰ نفر از
مردان آن ده به حکم حاکم شرع با جوب و زنجیر مرا بجزیم
کمونست بودن به با دکتک گرفتند و آن ده بیرونم
کردند که فتوکپی معا بنده بزنگی قانونی ضمیمه نامه
میباشد از اینکه در اول جوانیم این حامیان مستضعفین
و حامی کارگران زندگیم را بنا بود کرده و با عمل فاشیستی
خود به ما بودیم کشتا نندند و آن رفقای رزمنده و حامی
واقعی زحمتکشان بخاطر اینکه هیچگونه قانونی در این
مملکت حکم فرما نیست تقاضا مندیم تا با جاب نامهام
کارهای خلاف قانون و غیرا نسانی این حاکمان کور
دل شرع را افشا کرده و مرا هم که بخاطر خواندن روز -
نامه آن سازمان محکوم کرده اند تسکینی داده باشد.
قبلا از لطف شما سپاسگزارم .

با تقدیم احترامات - علی مادقسی
رونوشت به روزنامه های :
کار ، پیکار ، راه کارگر

اصفهان (درجه بیاز) بخاطر آنکه در آنجا ساکن شده و با
مقدار ریس اندازی که برایم مانده بود معاف از ای اکثر -
یکی با زکرده مرا رعاش کنتم با دختر یکی از خانواده -
های آن ده ازدواج کردم بعد از ۲۷ روز زندگی زنا شویی
(تا ریح ازدواج ۵۸/۸/۲۴ و طلاق ۵۸/۹/۲۱) بدنیسه سال
شکایتی که از طرف خانواده همسرم بخاطر داشتن کتاب
و روزنامه میرا بیهوده بود مرا به سپاه پاسداران درجه -
بیا از توابع اصفهان برده پس از با زجوئی کوتاه ای که
از طرف حاکم شرع آنجا بنام سید محمد علی موسوی در -
جای که فرمانده سپاه پاسداران آنجا نیز میباشید
بعمل آمد حمله فاشیستی به خانه ما را شروع کردند و
پس از آنکه تمام وسایل زندگیم را درهم ریختند
مقداری روزنامه کار، پیکار، روزگار و تعدادی کتاب که
هماسلامی و کمونیستی بود با خود به سپاه پاسداران
بردند و مرا هم مدت ۲ روز در بنا زنداشت نگه داشتند بعد
از این مدت بطور موقت آزادم کردند و به دفتر امام
رفتم و نامه ای از آنجا برای دادگاه انقلاب اصفهان
گرفتم که فتوکپی آن ضمیمه میباشد به اصفهان مراجعه
لذا بازم مرابیش همان حاکم شرع سید محمد علی موسوی
درجه ای که در بحث ۳ دادگاه هم کار می کنند فرستادند و
ایشان با فتوای خود بنده را کمونیست تشخیص داده با
کمال نا جوانمردی و وقاحت دستور توقیف اموال مرا که
حاصل یک عمر کارگریم بود داده حکم جدایی ما
ما در کردند و تمام وسایل خانه ما را از قبیل فرش بافت
شیرین کمده چوبی - بیخجال جنرال استیل - اجاق گاز -

سما و برادران رسق کارگری به بیگانه رنوشته که
ارتجاع حاکم به "جرم" داشتن کتابها و روزنامه های
مشرقی و انقلابی همسرین را از او جدا کرده و کاشانه اش
را مبتلائی نموده است .
از آنجا که نامه مذکور بسیار تکررند کهنکسی و
بوسیدگی و عمق ارتجاع حاکم است ، ما آنرا همراه با
سدی که بیان دهنده اقدام دسراما است منتشر
می کنیم !

گرامی روزنامه مدسکار
با عرض سلام و ابراز مسندی حال ما به سلامتی و
کامیابی و موفقیت روز افزون رزمندگان راستین
طرفداران کارگر سازمان پیکار را آرزو مندیم و از اینکه
در راه باجداره دسور و زندگی نوس برای نسل جوان
سکرام رستمند سدا سدا جاب و ترجمه کتابهای
بهرمان سرک برولیا را ور همودهای خود که بدون
حکومت سونع و واقعی بدخلق میباشند ما را سسه
تکن (سرود سرخ) رهائی بد آسدها میدوا و روسا بست
ندم مسما شد به با سیاسی را دارم با ایکس
سدا ندر این مؤنعت جناس در کرم سائل انقلاب و
سده جای سیم کسده سده سده سده سده سده سده سده
و سب سر بران را کرید و سانی را که زندگیم را به
سودی کتابدینا سدا در زمان سدا ریم ، اسخا نسب
سالی ماددی که مدت کمالات و سیم سگارم سدا زاین
که از حیدر برای کارنا سدا سدا در سکی اردها ت



با بد دسراما بد دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان
بسمه تعالی
رئاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان اصفهان
دامه توفیق
محرمات آقای علی ماددی سب بد دسراما مراجع و اظهار
سدا در منزل مکونی و کتابهای او را با حکم حاکم شرع در
درجه بیاز بخاطر اصفهان توقیف نموده اند .
معنی است مقرر فرما سید رسدی نموده تا احقاق حسی
کردد . والسلام .
امضاء
۵۸/۱۰/۵
باسخ حاکم شرع !

بسمه تعالی
طبق تحقیقاتی که از عمال تازه ازدواج کرده علی مادقسی
نسب که یک مزدغامی و مذهبی سنتی است بعمل آمد وی گفت
شوهرم به خدا و مقدسات دیگر بدگوشی می کند و تحقیق از علی
ماددی نسب و ترکیب کتابهای او که رنگ غیر اسلامی دارد ، او را
غیر مسلمان تشخیص داده و بدون طلاق حکم جدایی صادر کردید و
برونده و شهید گشتی و نگاهی موجود است .
مسئول دادگاه انقلاب اسلامی
مسئول دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان
ضمیمه ۲
موسوی - ۵۸/۱۰/۲۲

پس از اشغال سفارت آمریکا در ایران و گروگان گیری ما مورین لانه جاسوسی، هفته‌ای نیست که مردم ایران شاهد آموخته‌های "مسلمانان" آمریکا - شی بهایران نباشد. این مسلمانان که محقق و استاد اسلام شناس و... معرفی میشوند از سران حکومت دیدن میکنند، در صفحه تلویزیون ظاهر می‌شوند و با دقت تمام مبرتا مه مورد نظرشان را با جرات می‌آورند، چرا پای اینان بهایران باز شده است؟ درک این موضوع زیاده‌اش نیست، امپریالیسم آمریکا در کنارسایات‌های رسمی خود تهدیدها و اقدامات عملی دیگر در رابطه با آزاد ساختن گروگانها، تلاش‌های غیررسمی دیگری را نیز به سرای تبلیغات غیرمستقیم بنفع آمریکا و بسازش کشاندن قدرتمندان حاکم در ایران بعمل می‌آورد.

مدا لیت بهترین کسانی که میتوانند چنین نقشی را بازی کنند آقایان بنظر پروفیسورها و محققین آمریکا شی در رشته اسلام ویا "مسلمانهای" سرشناس آمریکا شی هستند.

واقعاً که این شیخ آمریکائی از طرف حامیان امپریالیسم در ایران که دولت و شورای انقلاب را قبضه کرده اند سخن میگوید. سرسپردگان و بسوزوا - لیبیرالهای ایرانی شی زدرست همین فکرا میکنند. آنها شی زگروگان گیری را گذرا میدانند، بهمین دلیل است که حتی حاضر نشده‌اند و رفتن به آمریکا را قطع کنند تا چه رسیده به قطع روابط با امپریالیسم آمریکا که خواست خلق و تمامی نیروهای انقلابی است.

از دیگر سخنان اینان دربرنا مه‌های تلویزیون - تی خود، مقداری بدگویی ازشاه است و کوشش بسرای جانداختن این موضوع در ذهن مردم که رابطه سه ایران و آمریکا ناگسستی است. این آقایان هم -

"من در مذاکراتم با کارتر راجع به گروگانها چنین وچنان گفتم..."!

یعنی ایشان قبل از مسافرت بهایران آقایان کارتر را دیده و صحبت کرده و دستورات عملی لازم را گرفته‌اند.

**معرف و دوستان ایرانی
این جاسوسان کیست؟!**

اینها که گفتیم یک طرف قضیه است اما آیا به عقل جوردرمی آید که بگوئیم این آقایان ما موریه همین سادگی از آنسوی کره زمین بلند میشوند و به ایران می‌آیند و صاف ساده از تلویزیون و متنزل قدرتمندان سردر می‌آورند؟ آیا...

پرفیسورهای "مسلمان" یا ما مورین سیا!

● پرفیسور "حامد الگار" دست آقای یزدی برای چه به ایران می‌آید؟!

"ابتکار" شخصی یا ابتکار سیا!

چنین کوشش میکنند که بگویند در آمریکا اسلام چه وضع خوبی دارد و حکومت آمریکا چگونه مسلمانان را مورد حمایت خود قرار میدهد و بدین ترتیب ایجا دخوش - بینی نسبت به آمریکا و...
اما مورد دیگر برنا مه این ما مورین آمریکائی شی شناس با ما حیان قدرت و بخصوص آیت الله خمینی است. اینها در این کار نیز موفق هستند اگرکنند و یا وزیر امور خارجه آمریکا نمیتوانند با به قسسم بگذارند، در عوض اینها براحتی میتوانند و در این - جا شی زهدف آزاد کردن گروگانها و تبلیغات غیر - مستقیم بنفع آمریکا است.

آیا معقول است که آیت الله خمینی بدون معرفی شدن این ما مورین، بعنوان اسلام شناس و مسلمان و... از طریق نزدیکان خود، آنها را در خانه‌هاش بپذیرد؟ مسلماً جواب منفی است. اما پیدا کردن دوستان این آقایان (ما مورین) در ایران زیاد مشکل نیست، بسراغ یکی از آنها می‌رویم.

یکی از این پروفیسورهای مسلمان، بشناسم "پروفیسور حامد الگار" (که املا انگلیسی است و ساکن آمریکا و مترجم برخی آثار اسلامی) از دوستان و نزدیکان آقای یزدی است که سالیان دراز در آمریکا با آقای یزدی دم خور بوده است. شغل شریف این پروفیسور جاسوسی برای "سیا" میباشد و بخاطر همین دوستی نزدیک با آقای یزدی است که ایسین پروفیسور امکان می‌یابد پیش امام برود و بسا او مباحبه بلندبالائی بنماید، او در تلویزیون ظاهر میشود و بدین ترتیب برنا مه‌های خود را به جرات می‌آورد. آری به برکت دلالتی آقای یزدی و ما مخالف این جاسوسان آمریکائی امکان می‌یابند از تلویزیونی که بقول مسئولینش دقیقه‌ای هزار تومان برای مردم ایران خرج بر میدارد ساعش صاحبست کنند، و این درحالیست که زحمتکشان و نیروهای انقلابی ما املا چنین حقی ندارند!

این آقایان تلاش میکنند که این رفت و آمدها را اتفاقی و از موضع ابتکار شخصی قلمداد کنند. ولی بسیندگان آگاه و هوشیار تلویزیون بخوبی میتوانند دریا بند که چنین نیست، بطور مثال در یکی از مباحبه‌های قبلی (چند هفته پیش) در تلویزیون بسا چندتن از این آقایان پروفیسور و مسلمان آمریکا شی کاشف بعمل آمد که هر کدام از این آقایان از بسک گوشه آمریکا بزرگ ۲۵۰ میلیون نفری هستند و عجیب این بود که اینان چگونه و بطور همدیگر را گیر آورده‌اند. بهمین خاطر وقتی خبرنگار ربا هوش تلو - یزیون از آنها پرسید که چگونه همدیگر را می‌شناسند و بطور شده که با هم بهایران آمده‌اند سخنگوی ایسین آقایان ما مورچین گفت:

"ما هنگام دعای برای گروگانها در زیر مجلسه آزادی همدیگر را پیدا کردیم و تصمیم بمانا فرت بهایران گرفتیم!"

اما آیا واقعیت بهمین سادگی است و توده‌های آگاه ما به چنین باوه‌های باورده‌اند؟ هرگز! در واقع اگر ادعای دروغ این آقایان جاسوس رایه زبان شیوی! و خودمانی ترجمه کنیم باید بجای آنها بگوئیم که: ما کنفرانسی (همان مجلس دعاست!) تشکیل دادیم تا نسبت به راه‌حلهای مختلف آزادی گروگانها، ببیند بخشیدن به روابط دولت ایران و دولت آمریکا، که تحت تاثیر مبارزه خلق دچسار تیرگی و بلبلوشی شده است، خوشبین کردن مردم ایران نسبت به آمریکا، بدست آوردن دل قدرتمندان حاکم در ایران و تبلیغات غیرمستقیم بنفع آمریکا و... آری نسبت به اینگونه مسائل محبست کنیم، در نتیجه قرار شد ما موراجرای این برانسته باشیم و بلانفا مله‌های ایران شدیم... به سخن یکی دیگر از این قبیل جاسوسان مسلمان ریشدار (البته این یکی عبا و عما مه هم دارد) گوش میدهم آقای شیخ محمد شری رهبر شیعیان آمریکا آشکارا می‌گوید:

شزینگر: حمایت از الله!

از زمانی که شزینگر وزیر انرژی کنونی آقای کارتر و وزیر دفاع و فرمانروای سابق "پنتاگون" گفت:

"بهرتس راه برای تامین منافع آمریکادر خاورمیانه حمایت از الله است!"

خیلی نمی‌گذرد و سازمان جاسوسی آمریکا به کمک دوستان و سرسپردگان ایرانی شی زود و خوب توانسته است این برنا مه را به جرات آورد. راه افتادن پروفیسورها و مسلمانان آمریکائی به ایران پس از اشغال سفارت و گروگان گیری جاسو - سان آمریکا شی، جزئی از همین برنا مه حمایت از "الله" و حمایت از "اسلام" کاخ سفید نشینان و اداره جاسوسی (سیای) آمریکا است. این برنا مه حمایت از الله و اسلام امروز بطور جدی از جانب امپریالیسم آمریکا دنبال میشود، گزارشات و اطه نشان میدهد که در روز ۱۴ دسامبر (برایز با ۲۳ آذر) در "شورای امنیت ملی آمریکا" (بالاترین مرجعی که در آمریکا مسائل مربوط به امنیت آمریکا را در سطح جهان مورد بررسی قرار میدهد) طرحی بتصویب رسیده که هدف آن تبلیغات اسلامی است راه رسیدن

نگاهی به برنامه‌های این جاسوسان

اما برنا مه‌های تلویزیونی این آقایان ما مور، اغلب شبیه هم است: اول تعریف و تمجید از "انقلاب اسلامی" ایران و آیت الله خمینی و بدین ترتیب قریب تمام اشیا و شئوندگان نا آگاه و جا - کردن این مسئله در ذهن مردم که ما ما می "انقلاب" شما شیم.

منظور آقای شیخ محمدبا قرشری از جنبه منفی و گذرا همان گروگان گیری است، او در واقع اینطور تبلیغ میکند، که ای مردم ایران هر چند این کار کمی ایراد داشته است ولی عیب ندارد، "گذراست!"

بقیه در صفحه ۱۲

افشای ضد انقلاب خدمت به انقلاب است

نصف از منحه امروز دفاع ...

دسکاه عمما انحرای این رفتار را در مقابل کودتای احزاب فاسان در چند رسته مورد بحث قرار مدهم :

۱- رفقای فدائی بخاور و کودتای امیریا - لسنی را "حمایت" و درجهت منافع مردم قلمداد میکنند.

سوسال امیریا لیسیم شوروی بمنظور تارت و چاول سخرافا فاسان ، بمنظور سرکوب و حشانه تر خلق سم کشیده افغان و در رقابت با امیریا لیسیم آمریکا بمنظور تحکیم موقعیت خود ، از طریق کسبل هزاران مستشار روس را ارسال کرده به یک کودتای محدود امیریا لیسیمی دست زده و با ندمت و رورویزیو - لسنی حدودی را بر سران قدرت می نماند ، تنها جم نظامی آنکارو مستقیم شوروی در افغان فاسان مینماید دو امر اساسی است : یکی ، رند خصمه توسعه طلبی - شوروی و انگیزی رژیم نزارهای نوین در تحاوز غران سبب سد ماسارمل و دیگری رقابت روز افزون سس دو قدرت امیریا لیسیمی آمریکا و سوسال - امیریا لسنی شوروی بمنظور کسب هژمونی (سرکردگی) در عرصه جهانی .

امروزه در عرصه کما کثرت رقابت امیریا لسنی ، مبارزه آمریکا و شوروی جاسکا خاصه را اشغال می - ساختن ساروهای که هدف سرکردگی سرحیجان را سعیت میکند . سید درنا بیانی تسلیم جانی ، ارسال سنا و سلاحهای جنگی به کشورهای تحت سلطه ، استنار اراس و واکانهای جنگی در ارضی نقاط دنیا بخاور بدمر میباید دیگران ، ایجاد جنگهای محلی انجام مود و غیره ، اسکان کونا کون این رقابت و مبارزه در عرصه سیاسی - نظامی میباشد .

برای امیریا لیسیم آمریکا و سوسال امیریا - لیسیم شوروی ، منطقه خاور میانه و خلیج فارس بواسطه اروپا و منابع طبیعی و ویژه نفت و نیز موقعیت استراتژیک آن ، یکی از نقاط پراهمیت ، حساس و سنججا مورد جدال و کشمکش جهانی است . با توجه به آنکه ۶۰٪ از نفت اروپا و ۹۰٪ از نفت ژاپن از این منطقه مینمیرد ، زیر سلطه داشتن این منطقه استراتژیک و کلیدی عامل بسیار بزرگی در راه ماسن سرکردگی جهانی بشمار می آید .

در این منطقه امیریا لیسیم آمریکا دارای نفوذ بسیار زیادی میباشد ، پایگاه عظیم نظامی در جزیره "دیگوگارمیا" در اقیانوس هند ، پایگاههای نظامی در جزیره "مصیره" در عمان و در بحرین ، استقرار و - های جنگی ، سلطه و نفوذ سیاسی ، اقتصادی و نظامی در یک سلسله کشورهای با رژیمهای سرسپرده و مرتجع چون عربستان سعودی ، پاکستان ، مصر و اسرائیل تجا و زکار ... مشخص کننده حضور آمریکا در این نقطه از جهان میباشد ، از جهت دیگر حضور شوروی توسعه - طلب نیز با داشتن چند پایگاه نظامی از جمله در سمن جنوبی و سلطه و نفوذ سیاسی ، اقتصادی و نظامی در سرخی کشورهای چون آسیای ، افغانستان ، بوریه و عبره مشخص میگردد ، پس از سقوط رژیم مزدور سلطنتی سا دخالن بدست توانای توده های خلق مینماید ، حاکمیت سلطه امیریا لیسیم آمریکا در اسران دستخوش نزلزل میگردد ، در این موقعیت رقابت است آمریکا و شوروی در جهت گسترش و تحکیم نفوذ خود در منطقه سمن از پیش شدت میگیرد و هر یک از آنها می - کوشند تا صرهای تا ز به رقیب خود را رسا زد ، در عرصه

چنین کوششها و با توجه به شکست رژیم "امین" در حمل مسائل سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی افغان فاسان است که سوسال امیریا لیسیم شوروی دست به کودتای جدیدی در این کشور میزند ، تا بدین وسیله موقعیت خویش را محکم بخشد و خود را به خلیج فارس و اقیانوس هند زدیکتر گرداند .

در زیر این اقدامات ، امیریا لیسیم آمریکا از خود واکس نشان داده و به تجهیز بیشتر خود می - پردازد ، بجوی که کارش را با وام ۴۰۰ میلیون دلاری به پاکستان جهت گسترش امور نظامی و هسته ای توافق خود را اعلام مینماید . آمریکا دو هواپیما ی آواکس به مزارسال می دارد تا آنها بتوانند با کشتیهای جنگی در خلیج فارس و اقیانوس هند تماس بگیرند ،

هستند ، به تحقیق شده ها پرداخته ، بر ضد پرولتاریا و توده ها و ناسیستی انقلابی - تاریخی آنها قدام علم کرده اند ، چنین کسانی ما رکیست نیستند و اگر همچون رویزیونیستها ی توده های شیادتها شوند ، خدمتگزاران بیمقدار بورژوازی بشمار می آیند . امیریا لیسیم آمریکا تجا و ز خود به ویتنام را امری برای "دفاع از آزادی و دمکراسی" قلمداد می - کرد و سوسال امیریا لیسیم شوروی نیز دخالت است نظامی خود را با "بیشترت انقلاب و سوسال لیسیم" میدانند و رفقای فدائی که میان ما رکیسیم و رویزیونیسم در نوسان اند ، تجا و ز شوروی را "حمایت" نام می گذارند و از این اقدام امیریا لسنی دفاع میکنند .

- زمانی که خروش فاش همزمان با سازش با آمریکا به طرح تز "گذارسا لمت آمیز" پرداخت و با رژیم وابسته شاه وارد "مناسبات صلح آمیز و متقابل" گردید ، کمیته مرکزی حزب توده به سه تأیید "رفرهای" ارضی "شاه" و "سلطنت شاه" دست زد .
- امروزه در عرصه کشاکش و رقابت امیریا لسنی ، مبارزه آمریکا و شوروی جایگاه خاصی را اشغال مینماید ، مبارزهای که هدف سرکردگی بر جهان را تعقیب می کنند .
- ما از رفقای فدائی سئوال می کنیم که بر اساس کدام اصل ما رکیستی - لنینیستی یک دولت سوسالیستی حق تجا و ز و کودتا در کشور دیگر را دارد ؟ بر اساس کدام قانون کمونیستی انقلاب را باید صادر کرد ؟!

آمریکا ۳۰۰ خلبان و مستشار خود را در مصر مستقر ساخت و قرا را برایش تار رژیم خاشن سادات اجازه دهد تا هواپیما و کشتیهای جنگی آمریکا در صورت لزوم از خاک مصر دست به حمله بزنند ، به علاوه طبق قرارداد ای ترکیه به آمریکا اجازه خواهد داد تا از ۲۶ پایگاه نظامی استفاده نماید .

بدین ترتیب منافع متفا دا امیریا لیسیم آمریکا و سوسال امیریا لیسیم شوروی آنان را به رقابت و رویا روشی بیشتر با یکدیگر می کشاند و در این میان هر یک بسیم خود میکوشند تا در راه رسیدن به هژمونی ، "دشمن را تضعیف نموده ، در هژمونی اش خدشه وارد" آورند . سوسال امیریا لیسیم روس دقیقاً بر روال چنین منطقی است که به کودتای امیریا لسنی دست میزند . حال رفقای فدائی ، این تجا و ز مستقیم نظامی و کودتا را "حمایت مستقیم اتحاد شوروی" در جهت منافع مردم نام میگذارند ، تجا و ز مستقیم در جهت بر آوردن منافع امیریا لسنی یا حمایت مستقیم "در جهت خدمت به مردم ؟ ما از این رفقا سئوال میکنیم که بر اساس کدام اصل ما رکیستی - لنینیستی یک دولت سوسالیستی حق تجا و ز و کودتا در کشور دیگر را دارد ؟ بر اساس کدام قانون کمونیستی انقلاب را باید صادر کرد ؟! ما رکیسیم - لنینیسیم بر علیه شما گواهی میدهد ، زیرا اصل اساسی سیاست خارجی یک کشور سوسالیستی انتر - ناسیونالیسم پرولتری یعنی کمک و پشتیبانی سیدریخ مادی و معنوی از انقلاب توده ها میباشد ، در صورتیکه ارسال هزاران مستشار و انجام کودتا برای سروری گار آوردن یک با ندر رویزیونیستی مسزور انتر ناسیونالیسم کمونیستی نبوده و بلکه مداخله امیریا لسنی است . انقلاب توده ها نتیجه تکامل مبارزه طبقاتی توده ها است ، انقلاب یعنی درهم شکستن قهری دستگا دولتی ، یعنی سرنگونی طبقه ارجاعی و بقدرت رسیدن طبقات یا طبقه انقلابی . انقلاب امر خود توده های میلیونی یک سرزمین است . اسارت زده است ، کسانی که معتقد به صدور انقلاب

لنین می نویسد : " در حقیقت سوسال شوونیستها از یک سیاست ضد پرولتاریائی بورژوازی پیروی میکنند ، زیرا که آنها عملاً از "حق" این یا آن قدرت "بزرگ" در غارت مستعمرات و سرکونی ملتهای دیگر حمایت میکنند ، نه از "دفاع زمینی" مفهوم مبارزه علیه ستم سیکانه ، سوسال - شوونیستها با رها این فریب بورژوازی را که جنگ برای حفظ آزادی و موجودیت ملتهای بریا کشته ، تکرار میکنند ، از اینرو آنها علیه پرولتاریا جانن بورژوازی را میگیرند . (سوسال لیسیم و جنگ)

رفقای فدائی ، شما با موقع کاملاً انحرافی خود "حق" شوروی میدانید که تجا و ز وزارت کند و به سرکوب خلقها بپردازد ، شما کودتای شوروی را "برای حفظ آزادی و موجودیت ملتها" قلمداد میکنید ، شما به مشاطه گری یک نیروی متجا و ز پرداخته و با ایمن اقدام خود عملاً به حمایت از بورژوازی شوروی عمل کرده و بنا گزیر علیه پرولتاریا و خلقها موقع گرفته اید .

۲- رفقای فدائی نیروهای رویزیونیست را "چپ" و "ترقیخواه" ارزیابی می کنند . لنین در تازه رویزیونیستها می نویسد : " اینها ما ملین واقعی بورژوازی در جنبش کارگری و مبارزین طبقه سرمایه داران و مجریان حقیقی رفرمیم و شوونیسم هستند . (امیریا لیسیم ، بالاترین مرحله سرمایه داری) (تا کید از ماست) .

آبا از دیدگاه پرولتاریا و ما رکیسیم - لنینیسم نیروهای رویزیونیست که بقول لنین عاملین واقعی بورژوازی و مجریان حقیقی رفرمیم هستند را میتوان " احزاب چپ" و "نیروهای ترقیخواه" قلمداد نمود ؛ بطور قطع پاسخ منفی است . ولی شاید رفقای فدائی متکرر رویزیونیست بودن با ندهای

ولی ما با تمام قوا با فضای دوجبهه اول و دوم دست می زنیم. زیرا این دوجبهه، دوجبهه امپریالیستی و ارتجاعی بوده و در رقابت با یکدیگر عمل میکنند و هر کدام از این جبهه ها برای سهم بیشتری از غنای و جیا اول مبارزه میکنند.

برزنت این تزارکرمین که همانند سایر امپریالیستها عمل میکنند می گوید: "بدیهی است که هیچگونه مداخله ویا تاجا وجود نداشته وندارد (!) مداخله افغانستان نوبنیاد، به تقاضای دولت، کنش کشور را مداخله از استقلال ملی، آزادی و حیثیت کشور خویش در برابر عملیات تاجا و زکارا نه و مداخله مسلحانه از خارج کمک می کنیم." (مداخله برزنت،

مارکسیسم-لنینیسم" را نادیده گرفته اند! از نقطه نظر لنین رویزیونیستها عاملین و سگان نگهبان بورژوازی هستند. ولی از نقطه نظر رفقای فدائی رویزیونیستها ی فدا نقلایی "چپ" و "ترقی - خواه" بحساب می آید. این سیاست بنفع کیست؟ سیاستی که نه فضاء کننده رویزیونیسم بلکه مداخله گر آن است، سیاستی انحرافی و خدمتگزار و تقویت کننده رویزیونیسم و بورژوازی می باشد. سیاستی که در عصر امپریالیسم رویزیونیسم، این جریان ایدئولوژیکی بورژوازی را "ترقی خواه" بحساب می آورد، سیاستی است که علیه پرولتاریا و مارکسیسم-لنینیسم سنگر گرفته است.

"برجم" و "خلق" گردند. لیکن مسئله آنقدر روشن است که انکارناپذیر است، زیرا حتی خود رفقا در برخورد با آنها صحبت از نیروی می میکنند که به "توده های وسیع دهقانان و رحمتکش" تکان داده شده و "در طول حیات سیاسی خود پیش از آنکه به نفوذ در توده های دهقانان افغان اندیشیده باشد، به نفوذ در ماشین حکومتی و تسخیر قدرت از طریق کودتا می اندیشیده است" (مقاله "کار" شماره ۴۰)

این مدعیان مارکسیسم-لنینیسم و مداخله گران توده ها که بیوسته به کسب قدرت نه از طریق انقلاب فخرآمیز توده ها، بلکه از طریق نفوذ در دولت انجام کودتا در بلا اندیشیده اند، آنانکه به راه پارلمان و عنایت "بالایی"ها چشم دوخته و به پرولتاریا توده ها اعتماد ندارند، جزمین "مجریان حقیقی فرمیسیم" یعنی رویزیونیستها میباشند؟ ما از رفقای فدائی سؤال میکنیم چه فرقی هست بین رویزیونیستها و توده های وازا برجم و خلق؟ قبل از پیدایش شوروی بمشابه یک قدرت سوسیال-امپریالیستی، رویزیونیستها بر اساس ما هیست سا زشکارانه و تسلیم طلبانه خود می کوشیدند تا راه پارلمان را راه پیروزی قلمداد کرده، توده ها را فریب داده و سلطه بورژوازی را تداوم بخشند. ولی از هنگامیکه شوروی خصلت امپریالیستی پیدا کرده و بدتجاه مستقیم دست زده است، علاوه بر اینکه می کوشد تا رویزیونیستی "گذرا" را "میلت آمیز" را تبلیغ کرده و در جنبشها نفوذ نموده و آنها را به انحراف بکشد، اما فدرآن با آنکه به رویزیونیست های مزدور و سرپردهگان بومیش با رها و بارها به تاجا و کودتا نیز دست زده است. در واقع احزاب وابسته به شوروی با توجه به موقعیت خود سیاست و منافع سوسیال امپریالیسم روسیه در هر مقطع، حرکت خود را تنظیم می نمایند.

زمانی که خروش فداکنان همزمان با سازش با امپریالیست به طرح "ترکذا" رسالت آمیز "پرداخت و بسا رژیم وابسته تا هوا رد" مناسبات صلح آمیز و متقابل گردید، کمیته مرکزی حزب توده به تاشید "فرمیسای ارضی" شاه و "سلطنت شاه" دست زده و خواستار آزادی فعالیت غلنی می شود. زمانی که مبارزات توده ها در میهن ما بیش از پیش رشد یافته و با اوج و اعتدالی انقلابی روبروست و در عرصه بین المللی نیز بیسن شوروی و آمریکا رقابت شدت یافته و بدین لحاظ شوروی با رژیم شاه آمریکا می کشد، کمیته مرکزی حزب توده به طرح تاجا و "جبهه فدائیکتا" توری "با شرکت" جناح دوراندیش هیئت حاکمه اقدام کرده و از "ضریت مسلحانه تاجا" و "یا کودتا صحبت می کند.

این قانومندی حرکت احزاب رویزیونیست و سرپرده شوروی است. سیاست آنها بر مداخله است و مداخله توسع طلبانه شوروی می چرخد و حرکت با توده های رویزیونیستی "برجم" و "خلق" از این قاعده مستثنی نبوده و نمی باشد. این بنا نهادن از دیرباز نگاهبانان منافع سوسیال امپریالیسم شوروی بوده و فرستگها فرستگ بطور کیفی با احزاب و نیروهای راستین مارکسیست-لنینیست و انقلابی فاصله دارند. آنان مانند حزب توده در حرفشیا دانسه از مارکسیسم سخن می گویند، ولی در عمل عاملین اجرائی سیاست شوروی می باشند. حال رفقای فدائیی به این بانده های رویزیونیستی "انتقاد دوستانه" می کنند که چرا "آموزش های انقلابی

● رفقای فدائی! علیرغم گفتار تحریف آمیز شما در افغانستان سه جبهه متخاصم وجود دارد: **اول** جبهه سوسیال امپریالیسم و پانده های وابسته بدان نظیر "ببرک کارمل" **دوم**، جبهه امپریالیسم آمریکا و خوانین و نیروهای مذهبی مرتجع رویزیونیست های خائن چین و رژیم مزدور پاکستان و سوم جبهه خلق و نیروهای راستین انقلابی و مترقی و نیز کمونیستی. **سما** همچون شما نه طرفدار جبهه اول، بلکه طرفدار جبهه سوم هستیم.

● ما از رفقای فدائی سؤال می کنیم که چگونه رویزیونیست های "خلق" و "برجم" که بنا ظاهر شاه سازش کرده بودند و "ببرک کارمل" مزدور که معتقد بود "ظاهر شاه" مترقیترین شاه آسیاست! و پس از بقدرت رسیدن اعتراف کرد که در زمان یاران قدیمی اش چون "حفیظ الله امین" ۱۲ هزار نفر زندانی سیاسی گشته شده اند، "چپ" و مترقی نامیست و میشوند؟ و چگونه عمل سوسیال امپریالیسم روسیه که "ترهکی" و "امین" را مسلح کرده است، از نظر آنان محکوم نیست و سلطه جویانه تلقی نمی شود؟

● رفقای فدائی! فقط صحبت از دوشوروی متخاصم در افغانستان می کنند: یکی "نیروهای ترقی خواه" چون "برجم" و "خلق" و دیگری فئودالها و عوامل امپریالیسم آمریکا.

رفقای فدائی برای اینکه دفاع شرمگینانه خود را از دخالت سوسیال امپریالیسم شوروی موجه جلوه دهند، فقط از دو قطب فوق صحبت میکنند و نیروهای کمونیست و انقلابی که به محکوم نمودن تاجا جم شوروی می بردند را جنادار خوانین و آمریکا قلمداد می کنند. رفقای فدائی! علیرغم گفتار تحریف آمیز و دیدگاه نیکویی شما، واقعیت بسیار زده طبقاتی را نمی توان کتمان کرد. بنظر ما در افغانستان سه جبهه متخاصم وجود دارد، اول - جبهه سوسیال امپریالیسم شوروی و بانده های مرتجع و جاسوسان وابسته بدان و در این میان رژیم "ببرک کارمل" که برخلاف گفتار شما بهیچوجه "در جهت منافع توده مردمی عمل" نمی کند، دوم - جبهه امپریالیسم آمریکا و خوانین و نیروهای فئودال مذهبی مرتجع (که متاسفانه توده های از دهقانان تا آگاه را بدنبال خود دارند) و مجموعه نیروهای ارتجاعی بین المللی که از آنان حمایت می کنند، همچون رویزیونیستها ی خائن حاکم بر حزب و دولت چین، رژیم مزدور پاکستان و سوم - جبهه خلق و نیروهای راستین انقلابی و مترقی و نیز کمونیستی.

ما مداخله و پشتیبانان جبهه سوم هستیم زیرا جبهه جنبش و انقلاب است. زیرا علیه هرگونه ستم و اسارت امپریالیستی و برای آزادی واقعی مبارزه میکند. امروز نیروهای انقلابی و کمونیستی افغانستان ضعیف هستند و لیکن ضعف کمی آنها بهیچوجه نقسی کننده حقایق تاریخی و انقلابی آنان و نتیجتاً انجام وظیفه انترناتیونالیستی کمونیستهای جهان در قبال آنان نمی تواند باشد.

مندرجه در "مردم" ۲۴۰، دیماه ۵۸)، برزنت فدائی آنست تا شوروی تاجا و زکارا بدروغ منجی بشریت جابزند و بدین طریق هر تاجا و زوجه را موجه جلوه دهد. و رفقای فدائی بدنبال له روی از رویزیونیستهای خائن کمیته مرکزی حزب توده، گرچه بطور خجولانه، به تاشیدتها جم شوروی و توکران بومی کودتاچی اومی بردا زندوتزاران جدید را بمشابه منادیان صلح و بیام آوران سوسیالیسم جابزینند و می نویسد: "اتحاد شوروی... بدفاع از حکومتی برخاسته است که در جهت منافع توده مردمی عمل می کند که به منافع تاریخی خود آگاه نیستند." (سر مقاله کار شماره ۴۰)

رفقای فدائی بجای افشای ماهیت تاجا و زکارا نه شوروی، همه توده های افغان را "بله" و "نا آگاه" بشمار آورده و خواسته با ناخواسته به فریب توده های بردازند. رفقای فدائی بجای افشای حکومت مزدور "ببرک کارمل"، آنرا مدافع منافع مردم به حساب می آورند! ما سوال می کنیم مگر همین بانده های رویزیونیستی "خلق" و "برجم" نبودند که به سازش با ظاهر شاه و پادشاه سابق افغانستان پرداخته و در پارلمان شاهنشاهی به فریب خلق مشغول بودند؟ مگر همین "ببرک کارمل" مزدور نبود که معتقد بسود ظاهر شاه "مترقی ترین شاه آسیاست"؟ (آیا شاه مترقی هم داریم؟) مگر همین "ببرک کارمل" سرپرده نبود که پس از به قدرت رسیدن اعتراف کرد که در زمان یاران قدیمی اش چون "حفیظ الله امین" ۱۲۰ هزار زندانی سیاسی گشته شد؟ و مگر همین سوسیالیست امپریالیسم روسیه نبود که رژیمهای وابسته "ترهکی" و "امین" را مسلح می نمود تا آنان به کشتار خلق بپردازند؟

رفقای فدائی! تشدیدگرایش رویزیونیستی در عقبه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۶ سپاه زرگاری ...

روابط این دارودسته با شاه به حدی نزدیک بود که بین آنها هدایای مخصوص ردوبدل میشد. رهبر دیگر آنها شیخ صاحب، عباس و خونتقدان با پول ناشی از دسترنج مردم زحمتکش کردستان و گاهی ترکمنستان صحرا که بعنوان هدایا به بارگاه آنها داده میشد به عیش و نوش پرداخت میکردند. تا آنجا که با "فروزان" هنرپیشه هرزه زمان شاه ازدواج میکرد. آنها به این اکتفا نکرده گاهی گستاخی را به حدی میرسانیدند که از مریدانشان هدایای انسانی میگرفتند. آنها حتی با تکراری هشتادگانه زنجار و زین موس مردم دزدی، غارتگری اموال عمومی، جاسوسی، خود - فروشی، فحشا و انواع هرزگی بدطولانی دارند. آنها کاخ حکومتشان را از راه بیکاری مردم زحمتکش و بولهای که از راه واک دریافت میکردند بنا نمودند. این جنایتکاران در هنگام نیام مردم ایران از ترس انتقام خود را به دامان بعضیهای عراق انداختند و اکنون که جنبش مقاومت خلق کردستان خود را به اثبات رسانده است و در سطح بین المللی جاسای مشخص خود را با متعاضات حکومت بعث عراق به تکاپو افتاده و برای سنگ اندازی در راه این جنبش مهتره های خود را یکی پس از دیگری بکار انداخته و این دارودسته خود فروش را در کردستان ایران علم کرده است. ما را این طریق به خیال خود جنبش خلق کردستان را هدسکا بدهیم در کل جنبش رها نشی بخش خلق های ایران اخلال کند. حکومت بعثی با دادن پول و اسلحه به جنبش دارودسته ای افکار پلید خود را مسخا هدسکا ده کند. ما هر زمان که بخوا هدستواند از وجود آنها آن خنجرها را آگین را در جنبش خلق کردستان برد و کره در حالیکه حکومت بعث در کردستان عراق کمربندی در مرزهای خود با سوریه و ترکیه و ایران به پهنای ۳۰ کیلومتر را به سرزمین سوخته تبدیل کرده و در حالیکه هزاران نفر از میان زمین کردستان عراق را در زیر شکنجه اعدام کرده است و حتی قطعه قطعه نموده و بیش از نیم میلیون مردم آنها را کوجا نیده و در حدود ۱۳۰۰ دهه را با خاک یکسان نموده چگونه میخواهد از حقوق خلق کردستان دفاع نماید؟

انقلابیون کرد و خلقهای دیگر ایران به بسیاری توده های زحمتکش بوزمان جنایتکاران را بر زمین خواهد ما لید و دیگر رهبران جنایتکار و سپاه زرگاری نخواهند توانست توطئه ها شان را شکل بدهند. زیرا آنها با فخر انقلابی خلق کرده که عمیقاً از پشتیبانی خلقهای ایران برخوردار هستند، روسرو میباشند و آنها را برای سومین بار در بدر و آواره خواهیم یافت. ما را اول بعثت خدمت به فیصل پادشاه نوکرا امپریالیسم انگلیسی در برابر انقلاب مردم عراق در سال ۱۹۵۸ که در نتیجه به ایران گریخته به دامان ساواک پناه میدهند. ما را دوم با فخر انقلابی توده های مردم ایران را روبرو گشتند و به جرم خدمت به خاندان جنایتکار ریهلوی بدما مان اربابان بعثی ما شان فرار کردند و این بار با زیا طغیان انقلابی خلق رزمنده کردستان ایران و با فخر انقلابی پیشمرگان خلق روبرو هستند که در راه آزادی رزمندخواهند داشت و عاقبت به دام خواهند افتاد. اکنون نمونه -

هایی از جنایات عده ای از رهبران این دارودسته را برمی شماریم .
در سالهای ۴۳ و ۴۵ یکی از این رهبران زمین - ها و باغات مردم زحمتکش قریه "نوسین" واقع در "ههور" ما را غصب کرده و با سند جعلی همان زمینها را به ما حبان آنها اجازه داده است. همین شخص در جریان کودتای ۲۸ مرداد نقش موثر داشت و یکی از یاران وفادار شاه بوده است. با زهمین شخص و یکی از سران پیش دریا شیر سال ۵۸ بزور اسلحه از مردم زحمتکش نوین بهره ما لگانه گرفته اند. میسار زه مردم زحمتکش نوین همواره علیه این ظالمسان جنایتکار را در مدتها شت است و همواره ساواک و زاننداز - مری از این جنایات پشتیبانی کرده اند. حتی در این راه شهید ملا مین حیدری که توسط شیخ بزندان افتاده شهید گردیده است .
یکی دیگر از رهبران آنها در زمان شاه عضو مجلس شورای ملی بود. ۲ نفر دیگر کارمندان رادیو - تلویزیون و ما مورسا واک ، در زمان شاه جلا داد این دارودسته همواره در تمام اعیان دوجنهای شاهانه بصورت فعال شرکت کرده ، مردم را نیز در این راه فریب می دادند. افراد مسلح این سپاه هم اکنون از چند دهه بزور اسلحه و پول دریافت کرده اند. در قریه برده رشه مریوان رئیس سپاه شیخ ماح ز زمینهای دهقانان را بزور غصب کرده است. در قریه سورکوه و مریوان شیخ محمدانی نه تنها زمینهای دهقانان را بزور غصب کرده بلکه با رها تا موس مردم را مسورد تا و ز خود قرار داده است .

بیش از یکماه و نیم از تشکیل سپاه زرگاری نمی گذرد که حدود هزار تا هزار و دویست (۱۲۰۰) نفر را از مردم ساده و زحمتکش با پول و اسلحه بعث و شاه مسلح نموده اند. مردم ساده ای که با طریقاری و حتی خوشبوری نسبت به مسئله خود مختاری و حتی عده ای تنها به عشق به دست آوردن اسلحه به ایشان روی آورده اند. و تا آنگاه که به راهبران جنایتکار سپاه زرگاری افتادند. اینها فریب خوردگانی هستند که گناهی ندارند و میتوان با افشاگری بیدارشان کرد .
سپاه زرگاری در بین مردم پایگاهی ندارد تنها انگای آنها به اسلحه و پول عراقی است و تنها کنون از چندین دهه بیرونشان کرده اند. آنها به دروغ و با کارانه خود را دوست نیروهای مترقی معرفی میکنند تا جای پائی بدست آورند و بر عکس در جا ها نشی که پایگاهی داشته باشند علیه این نیروها تبلیغ میکنند. آنها خود را دوست "گومله" معرفی میکنند تا بدین ترتیب افراد مسلح خود را که کثراً از زحمتکشان روستا هستند فریب دهند. آنها تا کنون هزاران قبضه اسلحه و صدها هزار دینار عراقی دریافت کرده اند و ما خوب میدانیم که این سیل عظیم پول و اسلحه به ایران تنها میتواند عواقب وخیمی بیبار آورد. لطفاً جبران ناپذیر به جنبش خلقهای ایران وارد آورده در راه جنبش طبقه کارگران ایران مواضع بزرگی ایجاد کنند. این دارودسته میتواند آید و بسنوا ن نیروی سرکوبگر آید. این مهم نیست که افسران آنها در دست چه کسی باشد. شاه - آمریکا - بعث عراق و یا جمهوری اسلامی ایران. تنها بر علیه انقلابیون واقعی چه در کردستان و چه در نقاط دیگر

ایران - سنگر مرتجعین و پناهاگاه مالکین و جا شها خواهد بود .
با توجه به چنین اوضاع و احوالی و خطراتی که وجود چنین نیروهای می تواند برای انقلاب ایران - عموماً و جنبش خلق کردستان داشته باشد. ما زمان (گومله) تصمیم خلق سلاح این نیروی وابسته به اجنبی را گرفت. برای ازمه پا شنیدن تشکیلات سیاسی و نظامی این دارودسته زهمه نیروهای سیاسی مترقی و دیگر تشکیک و کارگری در کردستان و در سر تا - سرایران میخواهیم ما را از نظر سیاسی و نظامی یاری دهند. بخصوص کمکهای سیاسی در افشاگری چنین نیروهای چه در سطح کردستان و چه در سر تا سرایران ما را یاری خواهد داد. تا هر چه بیشتر و وسیعتر عمل انقلابی خود را توسعه داده و به حیات نیروهای مرتجع و وابسته پایان دهیم. در این راه دست توانمندی زحمتکشان انقلابی ایران پشت و پناها ما خواهد بود. از خلق ستم دیده کرد میخواهیم ما را کمک کنند تا نگذاریم با ریدگر نیروهای بیگانه به پرت با پول و اسلحه خارجی ها بر سر نوشتمان حاکم شود و ما رزه حق طلبانه ستم دیدگان کرد را به (شاه به تال (۱) دیگری بدل کنند. تنها با اتکا به نیروی لایزال زحمتکشان میتوان در مبارزه طبقاتی پیروزی واقعی را در آغوش گرفت .

"مرگ بر نوکران بیگانه"
"پیروز با دمبارزات طبقه زحمتکشان"

" سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایسران - کومله - ۵۸/۱۱/۹"

(۱) - (شاه به تال) اصطلاحی است که بعد از خیانت با رزانی در کردستان عراق و ازمه پا شنیدن جنبش آن سازمان بکار بریده میشود (یعنی تمام شدن کار جنبش)

بقیه از صفحه ۹

پروفسورها ی "مسلمان" ...

به این هدف عیار رست از بهره گیری از احساسات مذهبی مسلمانان به نفع آمریکا و بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست در کشورهای مسلمان نشین جهان. کاری که قبلاً از طریق ما مورین بودا نشی در هند و مسیحی در کشورهای آفریقای و ... صورت میگرفت. برای اجرای مقدمات این طرح فعلاً ۳ میلیون دلار بودجه در نظر گرفته شده است و قرار است سه فرستنده را دیوشی برنا مه های به زبان عربی (برای مسلمانان کشورهای عربی)، فارسی (برای ایران و افغانستان و تاجیکستان شوروی) و ترکی (برای ترکیه و آذربایجان ایران و شوروی) بخش نماید. اما آیا امپریالیسم آمریکا با این برنا مه ها خواهد توانست طوفان انقلابی در کشورهای مسلمان نشین را که خلق ایران را طایفه آن بسوده است مهار کند؟ حداقل پاسخ مردم ایران تا حدی روشن است. اگر میان مسلمان و خیلی اسلامی امپریالیسم در ایران، نظیر آقای بازرگان و

بقیه در صفحه ۱۴

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۲

زنگهای خطر ...

ومدنی از مدت‌ها قبل خود را برای ریاست جمهوری آماده کرده و به تبلیغات وسیعی دست زده بودند. گروهی از این امر می‌توانستند یک عامل فرعی مؤثر بوده باشد، لیکن توسل به این استدلال بعنوان عامل اصلی، فریبی بیش نیست. برای نشان دادن بطلان چنین استدلالی کافی است تا به نتایج آراء مرکز اقتدار و روحانیت یعنی شهر قم نظر افکنیم.

بطور قاطع می‌توان گفت که روحانیت و مذهب در این شهر بیشترین نفوذ و اعتبار را دارند و در واقع قم را می‌توان پایتخت روحانیت نام نهاد. اما در همین شهر و در حالیکه "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" هستون اصلی جامعه روحانیت است، از "حبیبی" حمایت نموده بود، بنی صدر با قلم چنگگیری در صدر آراء قرار می‌گیرد و ۱۵۰ هزار رأی را بخود اختصاص می‌دهد. در حالیکه "حبیبی" نمی‌تواند بیش از ۱۴ هزار رأی یعنی ۱/۱۰ آراء بنی صدر را بدست آورد! آیا این ذهن گچی مردم قم به کرسی نشینان "جامعه مدرسین" نیست؟!

و اما نمونه دیگر در شهر یزد که آیت الله صدوقی از نفوذ بسیار بی‌خوردار است (و با شایسته‌تر است بگوئیم که برخوردار بود) علی‌رغم "فتوای" او یعنی بر حمایت از "حبیبی" مردم با دادن ۶۰۷۱۷ رأی بنفع بنی صدر، او را بمقام اول رساندند. حبیبی در این شهر حتی نتوانست مقام دوم را احراز نماید و "مدنی" جای او را گرفت و با ۸۰۸۸ رأی یعنی ۱/۱۰ آراء بنی صدر، در مرتبه سوم قرار گرفت! آیا کسی هست بگوید که مردم یزد، "فتوای" آیت الله صدوقی را به گوش نشنیده‌اند؟! چنین شکستی برای روحانیت و حزب جمهوری اسلامی که در انتخابات از حبیبی حمایت نمودند، در طول حیات رژیم جدید، برآستی بی‌سابقه است. آری نتایج انتخابات زنگ‌ها را برای اینان بمصداد در آورده است.

بیهوده نیست که آنها سخت در تلاشند تا شکست خود را با پیروزی در مجلس شورای ملی جبران نمایند. کوشش آنها این است که بتوانند در پارلمان، کرسی‌های هر چه بیشتری برای عناصر وابسته بخود اختصاص دهند تا بتوانند پایه‌های قدرت خویش را در حاکمیت سیاسی مستحکم نمایند و ابزار "کنترل" رئیس‌جمهوری را - که با او تفاهم چندانی احساس نمی‌کنند - در دست خود حفظ نمایند. منطقی‌ای کردن انتخابات مجلس شورای ملی در شهرها، از همین تلاش‌ها سرچشمه می‌گیرد.

۳ - تیمسار مدنی با ۲/۲۴۱ میلیون رأی، پس از بنی صدر قرار گرفت. همان‌طور که در گذشته گفتیم حامیان "مدنی" در انتخابات ریاست جمهوری و بطور کلی در صحنه سیاست ایران، راست‌ترین جناح‌های بورژوازی می‌باشند که در تلاش استقرار یک رژیم کملاً دست راستی و وابسته به آمریکا در ایران می‌باشند. در روش سیاسی نیز خواهان توسل به سرکوب و کشتار و شیوه‌های خونت‌بار در اعمال حاکمیت می‌باشند، چرا که این روش را تنها راه برقراری نظم ارتجاعی خود می‌دانند.

تیمسار مدنی از مدت‌ها پیش خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده می‌کرد و تبلیغات انتخاباتی خویش را از همان زمان آغاز نمود. برنامه دراز مدت تیمسار مدنی این بود که بسا سوار شدن بر امواج نارضایتی مردم بویسوزه از روحانیت خویش را به ساحل "پیروزی" برساند. او درگیری میان جناح‌های مختلف قدرت سیاسی تعداد مراکز قدرت و هرج و مرج ناشی از آن را که برآستی مردم را کلافه می‌کرد، زمینه‌ای برای تبلیغات سیاسی خود قرار داده بود.

تیمسار مدنی در نواحی معینی آراء بیشتری بدست آورد، او در تهران، مرکز سرمایه داران و وابسته و بورژوازی لیبرال و بوروکراتها و کارمندان عالی‌رتبه دولتی و ارتشی نیم میلیون رأی آورد (یعنی حدوداً بیشتر از آراء بنی صدر).

در حالیکه نسبت آراء مدنی به بنی صدر در کل ایران حدوداً ۱/۱۰ بوده همچنین او در تبریز با ۷۴۰۳۴۹ تعداد رأی (یعنی حدوداً بیش از ۱/۱۰ آراء بنی صدر) موضع نسبتاً قوی پیدا کرد. چرا که تبریز مرکز نفوذ مرجع بورژوازی لیبرال آیت الله شریعتساده‌ری و طرفداران اوست. مرجعی که دنباله امثال تیمسار مدنی میگردد. همین‌طور در استان سیستان و بلوچستان نیز مدنی با ۹۲۳۹۷ رأی (یعنی بیش از ۲ برابر بنی صدر) موقعیت ممتازی داشت، چرا که از همان مرکز تجمع و سلطه خوانین و آخوندهای مرتجع سنی مذهب (مولوی‌ها) است و اینان بین خود و تیمسار مدنی وجه اشتراک بیشتری می‌بینند تا دیگران. اما شایده خوشحالی‌لانده پنداشت که مدنی در راه جلب اقساریان ترموفقیستی بدست نیاورده است. ۲۴۰۰ آراء ریخته شده در صدوق بنفع او، تنها به نیروهای ارتجاعی و راست‌گرای جامعه اختصاص ندارد. نوده‌های بسیاری از اقشار متوسط کسبه‌خواهان یک "نظم" در جامعه هستند بخش بزرگی از این رقم را بخود اختصاص می‌دهند. وضع اسفناک اقتصادی، نابسانی سیاسی و تمایلات اقسار مرفه خرده بورژوازی به از بین بردن بحران و کثاکش سیاسی و بلاخره تمایلات غیرمذهبی این اقسار، زمینه‌های عینی و ذهنی مساعدی را در میان این نیروها بوجود می‌آورد که بطرف تیمسار مدنی کشیده شوند.

این زنگ خطری است برای مردم و نیروهای انقلابی بویسوزه کمونیست‌ها، در چهره تیمسار شایسته‌ها "مدنی" بوضوح می‌توان نقش یک "پینوشه" و "بیا رضاخان" ثانی را مشاهده نمود. مدنی به متاسفانه نماینده راست‌ترین جناح‌های سیاسی درون هیئت حاکمه و با خارج از آن، در کمین نشسته است. او با پایان انتخابات ریاست جمهوری، کار خویش را پایان یافته تلقی نمی‌کند، بلکه همچنان در مدارک برنامه دراز مدت خویش است.

او از یکسوا اعلام می‌کند که در ارگان‌های اجرایی رژیم جدید شرکت نمی‌جوید و از سوی دیگر سخت در تلاش برآه انداختن یک تشکیلات و حزب سیاسی است. این دو عمل، اجزاء متفاوت برنامه‌های دراز مدت او هستند.

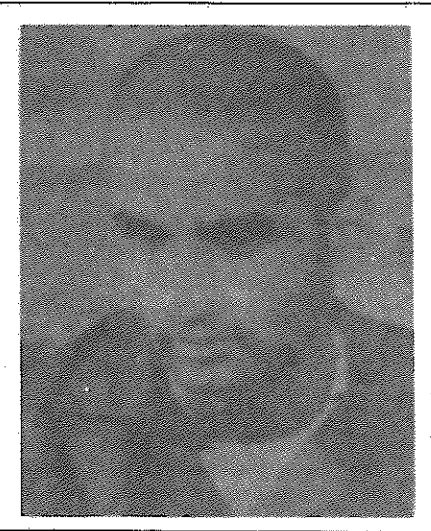
۴ - رقم دقیق آن ۱/۸ است.

مدنی از یکسوا تیزبینی خاصی، افول سیاسی سریع قدرتمندان کنونی را پیش‌بینی کرده است و از همین روی میکوشد تا حتی الامکان در طی این دوره خویش را از آذیر قدرت اجرایی بدور نگه‌دارد و و با حتی به مخالف خوانی با همت حاکمه بپردازد و از سوی دیگر میکوشد با برآه انداختن یک حزب، حضور خویش را در صحنه سیاست فعال نگاه‌دارد و با کمان با گرفتن یک موضع حزبی "مخالفت" نسبت به حاکمان کنونی، به جذب توده‌های ناراضی و بویسوزه اقسار متوسط بسمت خویش بپردازد.

چنین خطری را تنها بدست کم گرفت و رونسند اوضاع سیاسی جامعه در صورتی که نیروهای انقلابی و مترقی نتوانند مقوف پراکنده خویش را متشکل نموده و از اوضاع کنونی بنفع انقلاب و استقرار یک نظم انقلابی، بهره‌گیرند، بنفع قزاقانی چون "مدنی" سیرخواهد کرد. جامعه نمی‌تواند مدت زیادی در هرج و مرج و نابسانی بسربرد و مردم نیز نمی‌توانند چنین وضعیتی را زمان درازی تحمل کنند. آنها طالب یک "نظم" هستند، یک نظم انقلابی بسود زحمتکشان جامعه. لیکن در چنین نیروهای انقلابی و مترقی، می‌توانند این فرصت را بوجود آورده که دوره هرج و مرج کنونی بنفع استقرار یک نظم ارتجاعی، بویسوله "مدنی" ها خاتمه پذیرد. این خطر کوچکی نیست. توده‌ها را با یدبا این خطر آشنا ساخت. نتایج انتخابات زنگ‌های خطری تنها برای روحانیت و کل هیئت حاکمه بمصداد در نیاورد، تا سرعت سقوط خویش را در سراسر این افراد و نزوا زتوده‌های دریا بند بلکه از برای توده مردم و نیروهای انقلابی جامعه نیز بمصداد آورد تا بخود آیند و اجازه ندهند که تا قزاقانی همچون مدنی به نمایندگی از راست‌ترین جریان‌های بورژوازی، با بهره‌گیری از نارضایتی مردم، در یک فرصت طلایی، شوط‌های خویش را بشمر برآند و رونسند اوضاع را بنفع خویش خاتمه دهد.

در حالیکه جبهه ملی و نهضت آزادی افشا شده و عملاً بیک جریان مرده تبدیل شده‌اند، در حالیکه بسیاری از احزاب کوچک و بزرگ بورژوازی (حزب جمهوریخواه و ...) در طی این مدت نتوانستند عملاً بیک جریان سیاسی حاضر در صحنه تبدیل شوند، و در حالیکه حزب خلق مسلمان متلاشی شده است، این "مدنی" است که با اتکا به موانع گذشته خود در هیئت حاکمه و برآه‌های تدارکاتی اش طی این مدت به اعتبار رهبرای با هیئت حاکمه و "خط امام" و ... می‌تواند بهترین امید نیروهای ارتجاعی، بورژوازی لیبرالها و امیرالیم برای بازگشت به قدرت ضد خلقی شان با خصوصیات پیشین تبدیل شود، تضادهای درون هیئت حاکمه، بحران شدید اقتصادی، رکود، بیکاری، تورم، گرانی فزاینده، هرج و مرج در جامعه و ... می‌توانند زمینه عینی جذب و جلب بخش وسیعی از توده‌های خرده بورژوازی را در طی رونسند تا امید و زندگی از حرکات و سیاست‌های هیئت حاکمه و بویسوزه روحانیت، بسمت این بلوک ارتجاعی، فراهم سازد و چشم انداز دست‌یابی بیک نظم ضد خلقی را برای بورژوازی فاشیت‌ها می‌نماید. همین مدنی ترسیم نماید. آری زنگ‌های خطری را باید بمصداد در آورده!

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرال‌های سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم



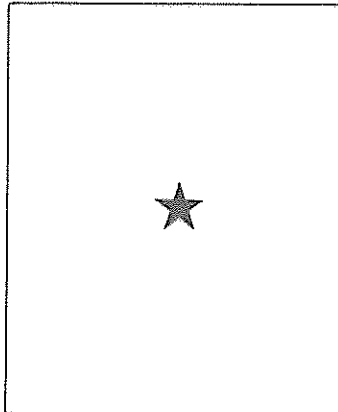
محسن بطحایی

با منارکت زمان انقلابی از خود نشان می داد. با داین رفیق شهید محسن بطحایی با علنی بودن خود امکانات قابل توجهی را در اختیار سازمان قرار می داد و جنبش را در راه پیشبرد اهداف انقلابی بی باکی می رساند. او در شاخه نظامی سازمان فعالیت میکرد و یکبار در همان روزهای بیگرددندیداً زیرکانه و هشیاری تمام شوانست ما مورین ساواک را بفریبید و فرار کندولی مجدداً شنا سائی و دستگیر شد و سرانجام پس از تحمل شکنجه های سخت محکوم به اعدام گردید و در سوم بهمن ماه به شهادت رسید.

رفیق محمدطا هورحیمی نیز که همراه ما با این رفقا شهادت رسید بر سر راه مبارزه با استکبار شد. رفیق در شاخه نظامی فعالیت داشت و در راه حمایت از خلق و مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی شان داد.

درود بر همه شهیدان راه آزادی و استقلال درود بر شهیدانی که در راه منافع زحمتکشان جهان باختند.

گرامی باد خاطره رفقای شهید



محمد طاہر رحیمی

خود اعدام سیرده شدند. رفیق منبزه اشرف زاده کرمانی فارغ التحصیل مدرسه عالی بازرگانی و کارمند سازمان برنامه بود او در دوران دانشجویی با گروه های مرفقی آشنا شد. آگاهی بیشتر او به ما هیت فدخلقی رژیم شاه از یک طرف و رنج عظیم زحمتکشان از سوی دیگر او را سوی پیوستن به مبارزه انقلابی کشاند. او به بخش منتعب از سازمان مجاهدین خلق پیوست و با آنکه متاهل و بچه دار بود، در آن شرایط بسیار دشوار از استعفاء و نیروی انقلابی خود برای رها نشی زحمتکشان مایه گذاشت. رفیق منبزه در شاخه نظامی سازمان فعالیت داشت و به "جرم" و قمار بازی به آرمائی خلق در بند دگانه رژیم به اعدام محکوم شد. او اولین زنی است که در تاریخ جنایات رژیم شاه به خود اعدام سیرده شد. چنین کمکاری ارسوی دشمن، خود را کرمی بی پایان و در عین حال مایوسانه بود که در رسم در سال ادامه فعالیت های انقلابی آسیم



درسماره ذیل با داسمه رفیق شهید صدیقہ رفائی را آوردیم، چون در آن هنگام عکس رفیق در دسترس نبود در این شماره اقدام به چاپ آن نمودیم.



منبزه اشرفزاده کرمانی

در سال ۵۴، زمانیکه اندامات سرکوبگران فاسدی رسم و اسبده امپریالیسم شاه خاشاک برای رسیدن کردن مبارزات خلق در بنای اوج خود بود و ساواک، کمیته سرک خدا مطلاع خرابکاری پس از حدس سال حانات و حساک عدم کار آئی خود را درنا بود کردن نیروهای انقلابی به انکسار رسانده بودند. زمانیکه سرما به های امپریالیسی و عمال و سرکائی داخلی آنها برای ایجاد و حفظ "امنیت" به انواع سوه های پلیسی سرکوب متوسل می شدند. زمانیکه در کورسگری و زندان و شکنجه و اعدام به بند "حرف گسدن" و با مطلاع تنبیه بلکه عمداً شکل انضامی دد مسانه وجود گرفته بود.

در سال ۵۴ زمانیکه امپریالیسم آمریکا از بندت حتم زندان برهم می نورد و خواستار ساسائی و رسیدن کی کردن نیروهای انقلابی بود که با اعدام انقلابی مساران نظامی آمریکا به آسبده قدرت چپنسی ساسی و نظامی ویلیسی دهی کمی میگرددند و حسیسم نوران با نمدور حسیکان با علیه سلفه امپریالیسم آمریکا را در عین اوقات و فعالیت های انقلابی خود دستگیری می کردند.

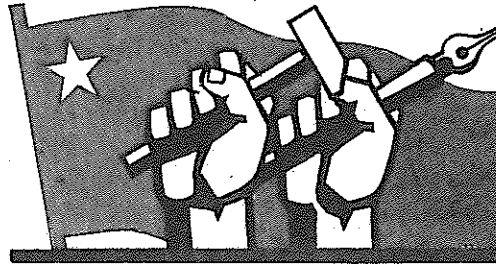
آری، در این زمان که غایت جوانان سرور و انقلابی شما های امروز را برای سرور آوردن از گریبان نبود و هر کدام نحوی به حوجه سکتوت زمانیت آمیز خاشاک خود منقول بودند، سر و همسای انقلابی میهن ما جان سرکف همراهان عقی آسبده خلق و کینه و به دشمن خلق در راه سر بردن به دشمن اصلی خلقهای ایران - آمریکا - و اسائی حانات بی شما را و و عمال اش بطور حسیکی نابدر مسازره می کردند.

رفقای شهید، منبزه اشرف زاده کرمانی، محسن بطحایی، و محمدطا هورحیمی از سخن منتعب از سازمان مجاهدین خلق ایران از جمله اب سسین انقلابیون بودند.

پس از اعدام انقلابی دوستداران حاسوس آمریکا کی سرهنگ سرور سرهنگ سرور در نا سسنان ۵۴ تو رهای تنعب و مرآت سسین از بسین گسرتدهد و اسن رفقا همراه با عده های دیگر به اعدام افتادند. آنها تحت وحشانه ترین شکنجه های جسمی و روانی قرار گرفتند و پس از تحمل چندین ماه شکنجه طاقت فرسا سرانجام در صبحگاه سوم بهمن ماه ۱۳۵۴ به

سخنیه از صفحه ۱۲
پروفسورهای "مسلمان" ...
بزدی، جبران و بهشتی و سریتمداری و ... توانسته اند مانع از حرکت و رشد انقلاب در ایران گردند و آنرا نکست دهند، امپریالیسم آمریکا از طریق سسین "پروفسورها مدالکار" و "امنا لیم نیز موفق خواهد شد، اما در مورد سایر خلقهای جهان با یدکفت مردم ستم دیده جهان در کشورهای عربی و مسلمان نشین تجربه بسیاری در این زمینه دارند؛ با لپاست که حکومت اسلامی فیصل در عربستان سعودی توده ها را به بند کشیده است، جنایات امپریالیسم آمریکا در اندونزی بنا م اسلام و دست "سوار توی" جلال (دیکتاتور میلی اندونزی) و کشتار و قتل عام فجیع و جنایتکارانه بیش از ۵۰۰ هزار نفر از کمونیستها و مبارزین اندونزی بجرم ضد امپریالیست بودن ... همه و همه پیش روی خلقهای جهان است، چپسوری اسلامی ضیاء الحق این سر سپرده امپریالیسم آمریکا در پاکستان در جلوشم جهان نیان است و ... امپریالیسم لیسم آمریکا با این سادگی قادر به مبارزه کردن انقلاب در کشورهای تحت سلطه و مسلمان نشین نیست.

هنر مقاومت هنر پرولتری



درباره این صفحه :

هنر مقاومت، هنر پرولتری: یک نیاز مبرم

جبهه انقلاب، هیچگاه بدون سنگر شکستناپذیر هنرمقاومت نبوده است. این، زندگی است که عظیم و انبوه و زلال پیکارهای پایداری را پذیرش می‌رود و در تلاطم خویش نیروی بزرگ خود را می‌نماید. انقلاب اجتماعی چونان عالی‌ترین شکل دگرگونی در متن زندگی، انعکاسی از این تغییر مدام و انعکاسی از فاش شدن تخطی‌ناپذیر طبیعت و جامعه، انعکاسی از شکست کهنه و پیروزی نواست.

ما اینک در کشاکش شگرف یکی از بزرگ‌ترین انقلابات اجتماعی، در کبر و در انبساط به وسعت تمام ایستاده‌ایم. پرولتاریای قهرمان ما خواهان به پایداری رساندن پیکار رزاد مبرها نیستی - ضد ارتجاعی است، خواهان تغییرات به آخر است، خواهان بالندگی سرفرازانه زندگی است، خواهان بهار رفاه آوردن دموکراسی برای توده‌ها و خشم‌زدن کشتزار سترون برای کشت دانه‌های باور سوسیالیسم است و بالاخره خواهان نابودی جامعه طبقاتی است که چون خاری در چشم آزمی خلد.

از این رو، او را و انبیا و زمن‌بیکاری همه بسزای است که زندگی می‌آفریند تا زندگی را دگرگون سازد. او سیراب‌ناپذیر، بسوی چشمه‌های جوانان آگاهانی طبقاتی رومی سپارد و هنر و ادبیات، بمنابر یکی از اشکال آگاهی، آنچیزی است که طبقه کارگر نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کند. طبقه کارگر به هنر خود نیاز دارد، او هنری را می‌طلبد که همراه نمیک‌توب. های انقلاب مغیر گریا روا زده، اصوات و نقش‌هایش به گوش برسد، او هنری را می‌طلبد که آئینه درجه‌ها، آرمان‌ها، عواطف و همه آن آرزوها و رویاهای باشد که به درجه‌های تحریف و اضمحلت بلکه درجه‌های پیش‌درامس انقلاب، درجه‌های انعکاس هر چه عمیق‌تر حقایق گسام برآورد. آری، انقلاب به هنر مقاومست نیازمند است، چرا که هنرمقاومتان جزئی از ایدئولوژی پرولتاریا در خود درونی‌ترین تمایلات طبقاتی را برای تغییر مناسبات اجتماعی منعکس می‌سازد. هر چند ارتباط هنر و ایدئولوژی بمنابر ارتباط خاص و تمام‌داری و ویژگیها و بی‌چندگی‌های مشخصی است.

سنگر هنر و ادبیات به انقلاب خدمت میکنند؟

این سنگر با شعله و رنگه‌ها شدن شورا انقلاب، با انعکاس روحیات طبقات انقلابی، با بیان سازش‌ناپذیری و ای درونی و بنیان ستمی که بر توده‌ها می‌رود، با آفرینش خلاقانه و اتمیتی که محکوم به تغییر است و با غلبه آرمانگرایی نه‌بر موانع توان‌فرسای راه انقلاب، تا شیری انگارناپذیر دست‌کم و پیشرفت فعلی انقلابی ایفا می‌نماید.

بنظر ما یکی از وظایف نیروهای م. ل آنست که تلاش بیکر خود را در راه رشد هنر انقلابی بکار گیرند و بویژه با تبلیغ و ترویج دست‌آورد های مارکسیسم - لنینیسم در رشته هنر و ادبیات، وظایف خود را در صیقل دادن این ابزار و به کارگیری آن در مبارزه طبقاتی و تسریع رشد هنر پرولتری به انجام رسانند.

با اینهمه، و با وجود شرایط مبرمی که بر رشد هنر نوین در طبقات زحمتکش احساس می‌شود، هنر پرولتری که با بیداری پیش‌پیش صف خلق قرا رگیرد و سرود رزمجویانه خود را در زلفود و رشد بسیار ضعیفی برخوردار است، سرکوب و حشانه ادبیات انقلابی، ایجا دجواختناق و محدودیتی که هنرمندان خلق را همچون ما هیان جدا از آب، از زندگی توده‌ها دور نگاه داشته است و عدم وجود یک نیروی رهبری کننده که زمینه‌ساز عدل برای رشد ادبیات توده‌فرا هم آورد. همه و همه از جمله عواملی بوده است که آزادرتنگانی مرکب از قرا ردا ده است. راه‌گریز از وضعیت بحرانی هنر و ادبیات ما که خود می‌تواند گسترده است و نیاز به آرزوهای ژرف دارد بسته به عوامل گوناگونی است که در این میان به نقشی عنصر آگاهی نباید کم‌بیا داد.

بنظر ما یکی از وظایف نیروهای م. ل آنست که تلاش بیکر خود را در راه رشد هنر انقلابی بکار گیرند و بویژه با تبلیغ و ترویج دست‌آورد های مارکسیسم - لنینیسم در رشته هنر و ادبیات، وظایف خود را در صیقل دادن این ابزار و به کارگیری آن در مبارزه طبقاتی و تسریع رشد هنر پرولتری به انجام رسانند. ما با کشودن صفحه "هنر مقاوم، هنر پرولتری" می‌کوشیم سهم خود را در گسترش ایده‌های پرولتاریا در نشر هنر انقلابی و در معرفی هنر خلقی و آزادبیش، ادا کنیم، همچنانکه در راه‌پالایش این هنر از تحریفات و آلودگیهای رویزونیستی خواهیم کوشید. ما با کشودن این صفحه در مدد آئینم‌گام‌های اولیه برای بوجود آوردن امکانات مساعد جهت معرفی و رشد خلاقیت‌های هنری کارگران و نیروهای مترقی هم - پیمان آنان برداریم.



آنکه در راه کمونیسم می‌جنگد

آن که در راه کمونیسم می‌جنگد بتواند باید که حقیقت را سه‌زبان آرد و نیارد که به‌همراهی خیزد و نخیزد و خویش را با خطر اندازد و ز خطر بگریزد بشناسدش گاه که او ما شناسد آن که در راه کمونیسم می‌جنگد از فضیلت‌های جهان یک فضیلت‌دار است این که در راه کمونیسم می‌جنگد برتولت برشت نقل از "اقدامات انجام‌دهنده"

این درست است که روشنگران به سبب موقعیت ویژه خود، به سبب تخصص خود در فعالیت ذهنی از توانایی و قابلیت‌های مشخصی برخوردارند در زمینه کار هنری برخوردارند، این درست است که سراسر جامعه طبقاتی این مهر را بر پیشانی خود خواهد داشت که تقادد بین کاربندی و کارفکری در آن برقرار باشد. این درست است که بسیاری از هنرمندان طبقه کارگر و جبهه‌سازان قدرتمندترین آنان از میان طبقات غیر پرولتاریا برخاسته‌اند، اما همه اینها نمی‌تواند دلیلی قانع‌کننده برای دورنگاه داشتن عناصر مستعد طبقه کارگر از فعالیت هنری باشد. طبقه کارگر نیاز به تدبیر برای واقعیت سرفرو آورد. طبقه کارگر باید خود را آماده کند تا از هم‌اکنون در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی فعالیت‌های مبارزه‌برخیزد. طبقه کارگر نیاز به بیداری فقط روشنگران حرفه‌ای و فقط آنان ملاحظت فعالیت در رشته هنر را دارند! ما موظفیم استعداد کارگران را که در خود رغبت و میلی طبیعی بکار در این رشته می‌بینند، رشد دهیم. ما موظفیم به کارگران برای کسب سبب - سستی در این رشته‌ای را سبب و زمین روان‌سازد و رفقای کارگرمی خواهیم هر طریقگی که می‌شناسند آنا خود را برای ما بفرستند.

این صفحه می‌تواند تنها سهمی کوچک از تقبوند و گسترش ایده‌های لنینی از ادبیات و هنر انقلابی را بدوش کشد و پیروزی همه‌جانبه در این راه نیاز به کار تمام نیروهای م. ل، همه متخصصین و افسران مارکسیست لنینیستی که بطور حرفه‌ای بکار هنر و ادبیات می‌پردازند و همه آنان کمی توانند در این راه به مبارزه برخیزند، دارد. ارتش انقلابی هنر، درجه‌های انقلاب، تنها در صورت یک‌جا گسترده و متشکل و بوجود آوردن یک جبهه مقاوم، بوجود آوردن یک جریان متحد و آگاهانه، میتواند تحریکی موثر در سر نوشت هنر و ادبیات انقلابی ایفا نماید.

پیاد ارانی

بمناسبت ۱۴ بهمن ماه چهلیمین سالگرد شهادت او

۱۴ بهمن مصادف است با چهلیمین سالگرد شهادت رفیق دکتر ارانی، کدو در زبان اسبدا در فاحانی پس از ما لیهاتحمل رنج وشکندہ در حالیکه سماری خاکساهی اورا آزار میداد دستها دت رسید .

جون سرتی سرک
اسبا در نطه های صح
کل کرد در کلو س فریاد
تصدیگری را
ساده رد

اراسار حذر بود
ارهیگ سرترا و سار
کداسکو در سرت نام کرد
ساجون آصاب
هموار کند
خاددهای نردا را

ی سال سرج !
سجده سن بیوس
آباد در میان آخن و طای
سریالهای ما
سریالهای وارکوبه ما

نام توبوده ست همچنان
سرخردها و راه
خای توبوده ست همچنان
در منظر نگاه !
اراعتنا رسوبود
کده خورسیدهای کوچک
خورسیدهای باندار
همواره سلطنت سبارا
انکار کرده اند
وصح را
بی هول ساید سوارهای سمانی
سی هول سادسی سیر
بده فربادهای خود
سکرا کرده اند
ار رسم نوست که مانده ست سادکار :

سربای و اسوار سانی
ساستد در اسخا سده آوری

امروز ، اگر جد



موشهای خانگی
کز کرده در بناه "دنیا"ی تو
سرمشتهای برآمده از آستین کار
چنگ می زند
اما هنوز ،
این خلق مهربان ،
نامو را
آواز می دهد بلند
سرسالهای ما
سرسالهای واژگونه ؛ ما
نشانه ؛ یک انقلاب
گذر کرده است
باشد که صبح را ،
فردا سخا نه آوریم

اول بهمن ۵۸

حمله به مهاجدهدین خلق معهکوم است

در ادا مه برنا مه های حساب شده با ندهای مرتجع وسیاه دل ، که هدف اساسی خود را حمله به نیرو ه های کمونیست ومجا هدین خلق قرار داده اند ، با ندها شی که از جانب سردمداران احزاب ارتجاعی شناخته شده تغذیه میگرددند . بباردیگر به مرکزها مداخله شکنجی مجاهد - بین خلق حمله شد ، علاوه بر این ، این بانده های ارتجاعی در جریان انتخابات هنگامیکه تیسسار شاهنشاهی ، مدتی میلیونها تومان پول وتعامی امکانات را دیووتلوویزیون را برای تبلیغ خود بکار گرفته بود ، زمانی که لیبرالهای فراری و بزدل ، نظیر حبیبی وبنی مدرکه در زمان شاه خاشن با استفاده از بورس اهدائی آقای احسان نراقی (دوست نزدیکشان) در آب وهوای خوش فرانسسه مشغول گرفتن دکترای خود بودند ، برای خودشان تاریخ وتعمید "و هجرت" ! ! ما سختند و آترا ازادیو وتلوویزیون به خورد مردم نا آگاه میدادند ، بسک کارگران انقلابی ، مجاهد شهید عباس عمانی ، رابه شهادت رساندند . تنها به این حرم که جرابرای بسک سازمان مترقی اعلامیه وشراکت بخش کرده وتطبیغ می کند !

زاین واروپا نزدیک شوند ، ایشان بارها بکسترنش روابط با امپریالیسم زاین انا ره کرده اند در جالی که همه می دانیم شرکتیهای امپریالیستی زاین واروپا کاملاً تحت نفوذ انحصارات آمریکا شی است ، بنا بر این شمارنه شوروی ، نه آمریکای آقبای بنی مدر در عمل چار آب درمی آید ؟ وابستگی به امپریالیسم اروپا وآمریکا وزاین ! ملاحظه میشود که چگونه سخنران مجاهدین حقایق رالیو ثانی می - کنند وتوده های را که دور آنها گرد آمده اند نسبت بسک بورژوا - رفربست دچار توهم می نماید . (کاریکه زمانی در مورد با زرگان کردند) آنها ذره ای بسک گذشته بنی مدر و بیهمین عملگردهای وسیاستیایش انا ره نمی کنند ، اما در عوض اظهار میدواری میکنند که بنی مدر در خط فدا ستعاری کاری بکنند ، مگر بقول خود مهاجدهدین راه سرمایه داری به وابستگی ختم نمی - شود ؟ مگر خود این آقای سنی مدر با تمام حرافیها وبیچیدن راهل های سرمایه داری در کاغذکا دو ، بد راهل سرمایه داری معتقد نیست ؟ سپس چسرا سخنران مجاهدین ذره ای در این باره حرف نمیزند ؟ بس چرا به آقای بنی مدر که تنها یکی دوروز پس از انتخاب شدن بسمت ریاست جمهوری ، طرح وحدت دو کشور ایران وشرکیه را پیش میکند ، حتی "انتقاد دی" نمی - کنند ؟ سخن آخر اینکه ، آیا کسی که در تمام یکساله گذشته بهمه راه لیبرالها و حامیان امپریالیسم ، عمل کرده است - منهای برخی مخالفتهای جزئی و عمدتاً مخالف خوانیها - میتوان انا در نظر سخنرانان مجاهدین ، در راه مبارزه فدا ستبدا ای ، فدا ستعاری ، فدا ستعاری به خلق خدمت نماید ؟

مجاهدین خلق چه انتظاری از آقای بنی صدر دارند ؟

آقای بنی صدر در این مورد دارد ؟!! از دو حال خارج نیست یا سخنران مجاهدین نسبت به آقای بنی صدر دچار توهم است وبامعنی حق تعین سرنوشت را درک نکرده است ، مسئله دوم در تجربه ثابت شده است وهمه سوده های آگاه ما هدیدند که مهاجدهدین چگونه در حرمان تهاجم ارتجاع به بینتراولی چمران مزدور سکوت کردند وسعدا حتی برای توجیه بیشتر آن ، آترا بنوریزه نیز کردند . در حالیکه چمران در واقع همان راه حل امپریالیستی را به اجرا در آورده که خود از آن یاد کردند و آن جنگ افروزی وسین فروشی اسلحه بسه ایران وشدید وابستگی از این طریق است ، اما توهم سخنران مجاهدین نسبت به بنی مدر نیز حقیقت داردها توضیح بستر مسئله را روشن می کنیم :

- یکی دیگر از تزه های ارتجاعی آقای بنی صدر این است که هم آمریکا وهم شوروی بسک انا زاره دشمن ما هستند ! شاید جرافی های آقای بنی صدر در این مورد برای توده های نا آگاه گول زنده با ندو آنها تصور کنند که آقای بنی مدر بهی است وبه وابستگی فکرتمی کند ، اما واقعیت را اعمال خود آقای بنی مدر بستر نشان میدهد ، منظور ایشان از شعار " به آمریکا ، نه شوروی" این است که به امپریالیسم

در جریان مسسک رور حیا رسد ، ۱۱/۱۱/۱۱ مهاجدهدین خلق که سنا ست ما نکرده است مهاجدهدینا حمید زمانه ومجا هدیه عیاس نمناشی سرگرا شد ، مسور حوی صص سحرانی خود ، موضع مهاجدهدین را بنرد در مقابل بی جدرا غلام کرد ، او اظهار میدواری کرده که بنی مدر سوا در خط فدا ستعاری وسعد اسدای و فدا ستعاری کاری انجام دهد ، نکسی مسک کتسن بنی مدر وسعما ر مدنی بقا و با ست ، اولی یک بورژوا رفربست است ودومی یک بورژوا - فاشیست ، اما زمانی که مهاجدهدین بدرستی تیسسار مدنی را امانا می کنند ما از بنی مدر چنین انتظار - اضی دارند سنا میدهند که نمینوا سندا ما هستند بورژواری را بدرستی درک کنند ، لازم نیست راه دور بروم کافی است فقط بس یکی دومورد از نقطه نظرها ی بنی مدر انا ره کسم :

- بنی مدر بهیچوجه برای ملیتیا حتی بعنوان حق تعین سرنوشت و " خود مختاری" فائل نیست وشیددا نسبت به این مسئله کینه ورز است . امرا چه کنید به مقاله بسکا شماره ۴۰ در همین مورد (ویا توجیه ابنته یکی از برنا مه های اعلام شده مهاجدهدین شناختن حق تعین سرنوشت برای ملیتیهای ایرانی است ، بنا بر این سخنران مجاهدین چه انتظاری از

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

خمینی به ایران که مشکلی برای رژیم شاه و دولت شریف اما می شده بود، به رژیم شاه راه حل نشان دهد و اینک راه حل های ایشان :

آیت الله شریعتمداری به رژیم شاه یاد می دهد که با مسئله مراجعت

آیت الله خمینی چگونه برخورد کند!

آیت الله سید کاظم شریعتمداری در یک مکالمه تلفنی مطالب زیر را در رابطه با وضعیت روح الله خمینی عنوان و استدعا نموده است که مراتب به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکا نه برسد :

در چند روز اخیر مراجعات زیادی از جانب طبقات مختلف مردم بمین می شود که در خصوص مراجعت خمینی بکشور اقدام نمائیم. من صریحاً بعرض اعلیحضرت میرسانم که بهیچوجه با این امر موافق نیستم لکن برای کاهش این فشارها و تشنجات که عکس العملهای براندازی نیز داشته است، پیشنهادهای در این مورد دارم که چنانچه اعلیحضرت همایونی اراده فرمایند شاید به مصلحت هم باشد.

پیشنهادهای من این است که دولت اعلام نماید با توجه به مشکلاتی که از نظر اقامت خمینی بوجود آمده و اینکه هفته گذشته نظر صریح خود را در مطبوعات راجع به مراجعت خمینی بکشور داده است معهداً بر حسب اوامر ملوکا نه به سفارت ایران در فرانسه ابلاغ گردیده که با آیت الله خمینی تماس گرفته و گفته شود که آیت الله خمینی تماس گرفته و گفته شود که آمدن ایشان به ایران بلا مانع است.

البته من (شریعتمداری) اطمینان دارم که خمینی پیشنهاد مراجعت بکشور را نخواهد پذیرفت زیرا اولاً او فرد لجبازی است و در نانی بر فرض که چنین ملاقاتی بین او و نماینده سفارت صورت گیرد، مسلماً نماینده دولت ایران همان شرط قبلی را که وفاداری به قانون اساسی باشد، به او ابلاغ خواهد نمود و چون خمینی اصولاً به قانون اساسی اعتقاد ندارد، لذا این شرط را قبول ننموده و مسئله آمدن او به ایران منتفی است.

آیت الله شریعتمداری منافع تبلیغاتی

این راه حل را توضیح می دهد:

صدور چنین اعلامیه ای از جانب دولت ایران اثر بخشی مثبتی در افکار توده های مردم چه در داخل و چه در خارج از کشور داشته و متضمن منافع تبلیغاتی زیر می باشد :

- ۱- اعلیحضرت همایونی که مقدس ترین و بالاترین مقام در کشور اسلامی ایران می باشند، بدین وسیله بزرگواری و گذشت خودشان را نشان داده اند.
- ۲- دولت نیز عملاً نشان می دهد که هیچگونه نگرانی از خمینی ندارد و توهم طرفداران خمینی در این زمینه نیز برطرف می گردد.

آیت الله سید کاظم شریعتمداری در یک مکالمه تلفنی مطالب زیر را در رابطه با وضعیت روح الله خمینی عنوان و استدعا نموده است که مراتب به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکا نه برسد :

در چند روز اخیر مراجعات زیادی از جانب طبقات مختلف مردم بمین می شود که در خصوص مراجعت خمینی بکشور اقدام نمائیم. من صریحاً بعرض اعلیحضرت میرسانم که بهیچوجه با این امر موافق نیستم لکن برای کاهش این فشارها و تشنجات که عکس العملهای براندازی نیز داشته است، پیشنهادهای در این مورد دارم که چنانچه اعلیحضرت همایونی اراده فرمایند شاید به مصلحت هم باشد.

پیشنهادهای من این است که دولت اعلام نماید با توجه به مشکلاتی که از نظر اقامت خمینی بوجود آمده و اینکه هفته گذشته نظر صریح خود را در مطبوعات راجع به مراجعت خمینی بکشور داده است معهداً بر حسب اوامر ملوکا نه به سفارت ایران در فرانسه ابلاغ گردیده که با آیت الله خمینی تماس گرفته و گفته شود که آیت الله خمینی تماس گرفته و گفته شود که آمدن ایشان به ایران بلا مانع است.

البته من (شریعتمداری) اطمینان دارم که خمینی پیشنهاد مراجعت بکشور را نخواهد پذیرفت زیرا اولاً او فرد لجبازی است و در نانی بر فرض که چنین ملاقاتی بین او و نماینده سفارت صورت گیرد، مسلماً نماینده دولت ایران همان شرط قبلی را که وفاداری به قانون اساسی باشد، به او ابلاغ خواهد نمود و چون خمینی اصولاً به قانون اساسی اعتقاد ندارد، لذا این شرط را قبول ننموده و مسئله آمدن او به ایران منتفی است.

صدور چنین اعلامیه ای در خارج از کشور داشته و متضمن منافع تبلیغاتی زیر می باشد :

سری

۱- اعلیحضرت همایونی که مقدس ترین و بالاترین مقام در کشور اسلامی ایران می باشند، به وسیله بزرگواری و گذشت خودشان را نشان داده اند.

۲- دولت نیز عملاً نشان می دهد که هیچگونه نگرانی از خمینی ندارد و توهم طرفداران خمینی در این زمینه نیز برطرف میگردد.

۳- تشنجات و تحریکاتی که زائیده جریانات اجرام است و تخفیف پیدا خواهد کرد.

۴- صدور این اعلامیه بزرگواری و گذشت شاهنشاه را در دنیا و بخصوص در بین سران جهان نشان خواهد داد و موضع خمینی ضعیف تر خواهد گردید.

مراتب حسب استحضار با طریقه ملوکا نه از عرض گذشت

- ۳- تشنجات و تحریکاتی که زائیده جریانات اخیر است، تخفیف پیدا خواهد کرد.
 - ۴- صدور این اعلامیه بزرگواری و گذشت شاهنشاه را در دنیا و بخصوص در بین سران جهان نشان خواهد داد و موضع خمینی ضعیف تر خواهد گردید.
- مراتب جهت استحضار خاطر خطیر ملوکا نه از عرض گذشت.

سپهبد مقدم
۵۷/۷/۱۶

افشای ضد انقلاب خدمت به انقلاب است